

تهدیدات امنیت ملی در مناطق مرزی: مطالعه موردی استان‌های کردستان و کرمانشاه

بهروز مرادی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

داود حسن آبادی^۱

استادیار جغرافیای طبیعی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

پیروز مجتهدزاده

دانشیار جغرافیای سیاسی، مدرس دوره دکتری، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

حیدر لطفی

دانشیار گروه جغرافیا، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵

چکیده

امروزه مرزهای سرزمینی در زمره یکی از مهم‌ترین مسائل ملی و بین‌المللی به شمار می‌روند. تأمین امنیت ملی از اولویت‌های دولت‌ها در سیاست‌گذاری ملی و منطقه‌ای محسوب گردیده که همواره در تدوین آن تلاش می‌شود؛ تهدیدها، چالش‌ها و فرصت‌ها شناسایی و نیز تأثیر مکان‌های مختلف جغرافیایی بر آن مدنظر قرار گیرد. وضعیت مرز در اوضاع سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور تأثیر مستقیم دارد. هیچ یک از برنامه‌های توسعه دولت محقق نمی‌شود، مگر اینکه مرزهای کشور به دقت کنترل و مراقبت شود. مرزهای هر کشور تأثیر عمیقی بر چگونگی فعالیت‌های اقتصادی، روابط و مبادلات مرزی و مرزنشینان و نقش برجسته‌ای در شکل‌دهی مناسبات اقتصادی میان دولت‌ها دارد. تأثیر وضعیت مرزها در اوضاع داخلی کشور بسیار گسترده است؛ به طوری که مرزهای باز و کنترل نشده، باعث به هم ریختگی ارکان اقتصادی داخل کشور خواهد شد؛ چراکه وجود تفاوت در قدرت اقتصادی کشور همسایه که منجر به تفاوت قابل توجه قیمت کالا و خدمات و تسهیلات و بازار کار در دو سوی مرز می‌شود، باعث خواهد شد تا اغلب اتباع کشوری که از اقتصاد ضعیف‌تری برخوردار هستند، اقدام به قاچاق کالا و تردد غیرمجاز و غیرقانونی از مرز به منظور استفاده از بازار کار و همچنین بهره‌مندی از خدمات و تسهیلات موجود در آن سوی مرز کنند و برای اینکه در داخل کشور شرایط و امکانات لازم برای شکوفایی اقتصادی فراهم آید، باید مرزهای مطمئن و کنترل شده وجود داشته باشد. هدف اصلی این رساله عبارت است از تحلیل و بررسی تهدیدات امنیت ملی در مناطق مرزی در استان‌های کردستان و کرمانشاه. سوال اصلی مقاله این است که تهدیدات امنیت ملی ایران در مناطق مرزی استان‌های کردستان و کرمانشاه کدام‌اند؟ با توجه به حساسیت امنیت در مرزهای

غربی کشور و اهمیت موضوع، تاکنون کمتر مطالعه‌ای پیرامون این مسئله در استان‌های کردستان و کرمانشاه انجام گرفته است. این‌رو این پژوهش بر آن است تا شاخص‌های مؤثر بر امنیت ملی در استان‌های کردستان و کرمانشاه را بررسی نماید. ایران کشوری است که در همزیستی با کشورهای همسایه از موقعیت‌های همسان/ناهمسان ژئوپلیتیک، ژئواکونومی و ژئوکالچر برخوردار است. نتایج مقاله نشان می‌دهد که مهم‌ترین تهدیدات امنیت ملی ایران در مناطق مرزی استان‌های کردستان و کرمانشاه عبارت‌اند از: تهدیدات دفاعی، تهدیدات سیاسی، تهدیدات اجتماعی، تهدیدات اقتصادی، تهدیدات امنیتی.

کلمات کلیدی: امنیت ملی، مناطق مرزی، کردستان، کرمانشاه.

مقدمه

امروزه مرزهای سرزمینی در زمره یکی از مهم‌ترین مسائل ملی و بین‌المللی به شمار می‌روند. از منظر فلسفه سیاسی مرزهای جغرافیایی، یکی از عناصر اصلی تشکیل دهنده دولت‌های مدرن است. مناطق مرزی محل وقوع تحولات مختلفی هستند که هرکدام می‌تواند سرمنشأ اتفاقات بزرگ و کوچک باشند؛ بنابراین باید به طور ویژه‌ای به این مناطق و مردم آن توجه کرد. تأمین امنیت ملی از اولویت‌های دولت‌ها در سیاست‌گذاری ملی و منطقه‌ای محسوب گردیده که همواره در تدوین آن تلاش می‌شود؛ تهدیدها، چالش‌ها و فرصت‌ها شناسایی و نیز تأثیر مکان‌های مختلف جغرافیایی بر آن مدنظر قرار گیرد. امنیت ملی به الزاماتی اشاره می‌کند که بقای دولت ملی را از طریق بکارگیری اقتصاد، ارتش و توان سیاسی و استفاده از ابزار دیپلماسی حفظ نماید. از این رو در شناخت ظرفیت‌های مناطق جغرافیایی و میزان تأثیرگذاری هر یک از آنها بر امنیت ملی سعی می‌شود تهدیدها شناسایی و در جهت مقابله با آن و نیز تبدیل چالش‌ها به فرصت اقدام لازم صورت پذیرد.

توجه به مشکلات و مسائل مرزنشینان و اهتمام برای رفع آنها، می‌تواند موجب امنیت مرزها و رشد اشتغال در منطقه شود؛ رشد و ارتقاء معیشت مرزنشینان، باعث می‌شود امنیت پایدار در مرزها تقویت شده و زمینه آبادانی را فراهم کند که تمامیت ارضی، استقلال ملی، حاکمیت حکومت و امنیت داخلی، در گرو داشتن مرزهای مطمئن و کنترل شده است. وضعیت مرز در اوضاع سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک کشور تأثیر مستقیم دارد. هیچ یک از برنامه‌های توسعه دولت محقق نمی‌شود، مگر اینکه مرزهای کشور به دقت کنترل و مراقبت شود. مرزهای هر کشور تأثیر عمیقی بر چگونگی فعالیت‌های اقتصادی، روابط و مبادلات مرزی و مرزنشینان و نقش برجسته‌ای در شکل دهی مناسبات اقتصادی میان دولت‌ها دارد. تأثیر وضعیت مرزها در اوضاع داخلی کشور بسیار گسترده است؛ به طوری که مرزهای باز و کنترل نشده، باعث به هم ریختگی ارکان اقتصادی داخل کشور خواهد شد؛ چراکه وجود تفاوت در قدرت اقتصادی ۲ کشور همسایه که منجر به تفاوت قابل توجه قیمت کالا و خدمات و تسهیلات و بازار کار در دو سوی مرز می‌شود، باعث خواهد شد تا اغلب اتباع کشوری که از اقتصاد ضعیف تری برخوردار هستند، اقدام به قاچاق کالا و تردد غیرمجاز و غیرقانونی از مرز به منظور استفاده از بازار کار و همچنین بهره‌مندی از خدمات و تسهیلات موجود در آن سوی مرز کنند و برای اینکه در داخل کشور شرایط و امکانات لازم برای شکوفایی اقتصادی فراهم آید، باید مرزهای مطمئن و کنترل شده وجود داشته باشد. برای بررسی تأثیر مناطق مرزی بر امنیت ملی یک

کشور ابتدا بایستی عواملی را که باعث ایجاد امنیت و یا ناامنی در مناطق مرزی می شوند را شناسایی و بررسی کرد و بعد تاثیر وجود امنیت و ناامنی در این مناطق بر امنیت ملی را.

مسئله مورد نظر در این تحقیق توجه به وضعیت خاص امنیتی مناطق مورد بحث از جنبه‌های مختلف جغرافیای نظامی، سیاسی و... به منظور شناسایی پارامترهای اصلی تأثیر گذار در ایجاد بحران‌های مرزی است. در این راستا شناسایی عوامل چالش زای داخلی و خارجی در جهت پیش بینی و اقدام به موقع بسیار با اهمیت است و به عنوان یک مسئله حیاتی در این پژوهش به آن پرداخته می شود؛ چرا که اخلال در امنیت داخلی یک منطقه یا استان در صورت ادامه دار شدن منجر به ایجاد بحران در سطح ملی و به خطر افتادن منافع و امنیت ملی می شود. خطوط مرزهای سیاسی به علت جداسازی واحدهای مستقل و در برخی موارد نیمه مستقل سیاسی در طول تاریخ به خاطر اعطای هویت ملی به دولتهای ملی و محلی از اهمیت خاص سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی برخوردار است (جدال و جینسولین ۱، ۲۰۰۳: ۱۴). مرز و سرزمین گرایی اغلب باعث ایجاد درگیری و تنش شده و تحلیل تدریجی امنیت در روابط بین الملل، موجب می شود مرزهایی که وابستگی کمتری به واقعیت‌های طبیعی، فرهنگی و یا اقتصادی دارند، از نظر ژئوپولیتیک به نقاط چالش برانگیز مبدل شود. تجربیات تاریخی نشان می دهد که این گونه مرزها باید به دقت تحت نظارت و واپایش باشند تا از بروز مشکلات ناگهانی و ناامنی‌های غیرمترقبه جلوگیری شود (کالینز، ۱۳۸۵: ۱۹۰). علت بی ثباتی در مرزهای فرهنگی به علت مرزگذاری‌های جدیدی است که حاصل سیاست‌های امپریالیستی قرون معاصر است. حاصل این مرزهای ۱۰۰-۱۵۰ ساله، تولید هویت کاذبی است که اختلافات منطقه ای را گسترش داده و در نتیجه موجب تنش‌ها و درگیری‌های دائم مرزی می شود. قرار گرفتن ایران در مرکزیت و محوریت حوزه‌های ژئوپولیتیک خلیج فارس و دریای عمان، اقیانوس هند، آسیای مرکزی، قفقاز و تسلط بر کانون‌های بیضی شکل راهبردی انرژی خاورمیانه، نقش بنیادی و اساسی در راهبردهای ژئوپولیتیکی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ایفا می کند. فضاهای ژئوپولیتیک شمال، جنوب و شرق همچنین غرب کشور و اهمیت آن در برقراری و حفظ امنیت جمهوری اسلامی ایران بر همگان آشکار و مبرهن است (رمضانی لشکریانی و کوثر حاجی پور، حسن کیاده، ۱۳۹۱: ۱۵).

اصولا عمیق ترین تحقیقات حوزه سیاست خارجی به دلیل پیوند مستقیم با مسائل امنیت ملی و فراهم سازی زمینه‌های فرصت سازی، باید در حوزه همسایگان و مرزهای مشترک پیرامونی صورت گیرد. مرزهای مشترک شمال غرب و غرب کشور ایران به علت همجواری با کشورهای مهم خاورمیانه و قفقاز جنوبی؛ یعنی ترکیه، عراق و جمهوری آذربایجان (منطقه خودمختار نخجوان) همچنین به علت موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک به عنوان دروازه ورود و پل ارتباطی ایران به اروپا به شمار می رود. مناطق مرزی شمال غرب و غرب کشور از نظر مقیاس اثرگذاری امنیتی با اهمیت ترین مناطق کشور به شمار می رود. این مناطق در طول تاریخ کشور همیشه یک مبدأ عملیاتی و محل تجمع قوا بوده؛ به همین علت تأثیر غیر قابل انکاری بر امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور داشته

و نسبت به مناطق مشابه خود از ویژگی‌های خاصی برخوردار است (حسین پور پویان، ۱۳۸۶: ۸۸). در شمال غربی ترین نقطه مرز مشترک ایران با کشور ترکیه، به علت متأثر شدن از ویژگی‌های خاص جغرافیایی (طبیعی و انسانی) از قبیل کوهستانی و صعب العبور بودن و تحرکات قومیتی به عنوان یکی از نا آرام ترین خطوط مرزی کشور تلقی می شود.

معضلات متعدد اجتماعی، نظامی و سیاسی از قبیل قاچاق کالا و سوخت، مشروبات الکلی، مواد مخدر، اسلحه و مهمات، درگیری نیروهای نظامی - امنیتی با گروهک‌های ملی گرای کرد، گروه‌های افراطی مذهبی (وهابیت نظیر سلفی‌ها) و چالش‌های قومی و مذهبی از شایع ترین مواردی هستند که بسترهای نا امنی در این مناطق مرزی را فراهم آورده اند. در حاشیه مرزهای مشترک شمال غربی و غرب کشور تحولات مناطق کرد نشین عراق و ترکیه در گسترش نا امنی در منطقه مؤثر شناخته شده و تأثیر به سزایی در امنیت آن مناطق و به طور کلی امنیت ملی گذاشته است.

قومیت‌های ساکن در حاشیه مرزهای شمال غربی و غرب کشور را آذری‌ها و کردها با دنباله فرامرزی خودشان در کشورهای آذربایجان، ترکیه و عراق تشکیل می دهند (سلطانی، ۱۳۸۶، ص ۶). در حال حاضر محدوده مرزی آذربایجان غربی به علت موقعیت خاص کوهستانی، همجواری با منطقه کرد نشین ترکیه (مناطق آناتولی شرقی و جنوب شرق) و محدوده مرزی کردستان و قسمتی از نواحی مرزی کرمانشاه و ایلام به دلیل مجاورت منطقه خودمختار کردستان عراق به محل مناقشات و چالش‌های دائمی مرزی تبدیل شده است. مبارزه حزب قدرتمند و ملی گرای کارگران کردستان پ. ک. ک در ترکیه، فعالیت شاخه پژاک (پارتی ژبانی نازادی کوردستان = حزب حیات آزاد کردستان) در داخل ایران و موارد متعدد بی ثباتی از قبیل قاچاق کالا و اسلحه از مهم ترین چالش‌های سیاسی و نظامی هستند که بسترهای نا امنی مناطق مرزی را مهیا می کنند (مقدم و قشلاقی: ۱۹۷).

رویکرد نظری

علم جغرافیا از بدو آفرینش بر روی این کره خاکی به صورت‌های مختلف در فعالیت‌های گوناگون آن از جمله تأمین امنیت نقش به سزایی داشته است. واژه امنیت به عنوان یک مفهوم عام تمام شئون زندگی انسان را در بر می گیرد و با بقای نفس و صیانت از حیات و موجودیت انسان پیوند می خورد. در واقع امنیت تضمین کننده حیات و بقای انسان و موجود زنده است و همه موجودات در تقلا بقا و حفظ وجود و حیات سالم خود هستند و امنیت عامل این نیاز اساسی و حیاتی است؛ بنابراین امنیت مهم ترین آرمان انسان و موجود زنده تلقی می شود (حافظ نیا، ۱۳۸۵، ۳۲۵). امنیت ملی اساساً تعبیری نوین است که با تکوین دولت‌های ملی معنا و مفهوم یافته است. لذا امنیت ملی با تأکید بر حفظ قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و در نتیجه حکومت و اعمال حاکمیت در امور داخلی و خارجی بر علیه نفوذ بیگانگان و جلوگیری از هرگونه عملیات غیر قانونی که منظور آن تضعیف یا انهدام حکومت و ملت باشد، دلالت می کند که همواره در کنار امنیت داخلی که شامل

اقداماتی به منظور جلوگیری از عملیات دشمن (غیر از حمله نظامی) علیه منابع، صنایع و تأسیسات خودی به عمل می آید، مورد بررسی قرار می گیرد (رستمی، ۱۳۷۸، ۱۱۷).

عوامل بالقوه و بالفعل بی ثباتی های نظامی، سیاسی و اجتماعی در جامعه در سطوح منطقه ای، ملی و جهانی می پردازد که به نوعی موجب تهدید امنیت ملی و داخلی کشور می شوند و راه کارهای منطقی را برای فائق شدن بر این نا امنی ها در برهه زمانی میان مدت و بلند مدت به تصمیم گیرندگان سازمان ها و ارگان های امنیتی کشور گوشزد می کند (مقدم و قشلاقی، ۱۳۹۱: ۱۹۶؛ حسین پور پویان، ۱۳۸۶: ۸۸).

امنیت: امنیت در لغت به معنای ایمن شدن و در امان بودن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۲: ۲۸۹۴). آرنولد و لفرز در تعریف این واژه می گویند: «امنیت در یک مفهوم عینی به فقدان تهدیدها نسبت به ارزش های اکتسابی تلقی می شود» (ترابی، ۱۳۷۹: ۱۸۰). جان مروز می گوید: «امنیت عبارت است از آزادی نسبی از تهدیدهای خطرناک» (میرعرب، ۱۳۸۱: ۱۳۷). تعریف دیگر برای امنیت این است که «امنیت عبارت است از رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند» (میرعرب، ۱۳۸۱: ۱۳۳).

ژئوپلیتیک: ژئوپلیتیک در حقیقت نتایج و تأثیرات عوامل جغرافیایی بر سیاست است. به عبارت دیگر نقش عوامل محیط جغرافیایی هر کشور در سیاست مربوط به آن بررسی می شود (عزتی، ۱۳۷۳: ۱). به عبارت دیگر ژئوپلیتیک مفهومی ترکیبی است که در آن عنصر اصلی، خصلتی ذاتی دارد؛ «یعنی ژئوپلیتیک عبارت است از مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست» (حافظنیا، ۱۳۷۹: ۸۶-۸۴).

ژئواکونومی: عبارت است از تحلیل راهبردهای اقتصادی به منظور حفظ اقتصاد ملی یا بخش های حیاتی آن و به دست آوردن کلیدهای کنترل آن از طریق ساختار سیاسی و خط مشی های مربوط به آن، همچنین دولت از این طریق می تواند کنترل و اقتدار تمام منابع تولید و بخش های کلیدی اقتصادی را به دست بگیرد و به استحکام بخشیدن فعالیت های اقتصادی پردازد (عزتی، ۱۳۸۰: ۱۱۰).

ژئوکالچر: بیانگر چهارچوب فرهنگی ای است که نظام ها، مکتب ها و ایدئولوژی ها در محدوده آن عمل کرده و اثر می گذارند و مقدمات و مبانی فکری خود را نه در محدوده ملی و محلی بلکه در یک جغرافیای فرهنگی منتشر می سازند. در ژئوکالچر تمرکز فعالیت ها بر فرهنگ و رای سیاست و اقتصاد است و از مؤلفه هایی چون دعوت فرهنگی، تبلیغ، نشان دادن کارآمدی، نشان دادن توانایی تولید سرمایه فرهنگی و اجتماعی و رابطه های معنوی و فرهنگی و مقاومت به جای زور، سیطره و استعمار استفاده می شود (عزتی، ۱۳۸۸: ۲۵).

شهر مرزی: تعریف امنیتی از شهر مرزی نسبت به تعاریف سیاسی، اقتصادی و نظامی مقداری پیچیده تر است. در تعاریف سیاسی، اقتصادی و نظامی، خط صفر مرزی مبدأ و میزانی برای حدود است ولی در تعریف امنیتی، نقطه صفر مرزی یا هر مبدأ و مقصدی بر اساس مسافت و فاصله نمی تواند میزانی برای سنجش شهر مرزی باشد. در تعریف امنیتی از شهر مرزی باید تأثیرات مستقیم حاصل از آن سوی مرز در این سوی مرز مبنا باشد. در این تعریف گسترش و مشابهت های فرهنگی، نژادی و مذهبی مناطق و همچنین میزان نفوذ فیزیکی عناصر ضد امنیتی باید

۵۷۶ فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، سال یازدهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۹
منظور گردد؛ بنابراین فاصله شهر مرزی می‌تواند از یک کیلومتر تا صدها کیلومتر از خط صفر مرزی فاصله داشته باشد (جندقیان، ۱۳۹۱؛ ۳۳۹).

مرزهای سیاسی مهم‌ترین عامل تشخیص و جدایی واحد متشکل سیاسی از واحدهای دیگر است. در ضمن وجود همین خطوط است که وحدت سیاسی را در یک سرزمین که ممکن است فاقد هرگونه وحدت طبیعی یا انسانی باشد، ممکن می‌سازد. خطوط مرزی خطوط اعتباری و قراردادی هستند که به منظور تهدید حدود یک واحد سیاسی بر روی زمین مشخص می‌شوند. چنانچه منظور از واحد سیاسی دولت باشد، خطوطی که سرزمین یک دولت را از دولت همسایه جدا می‌سازد، به مرزهای بین‌المللی معروف است. مرزهای بین‌المللی در شکل و نوع مناسبات سیاسی، اقتصادی میان دولت‌ها نقش برجسته‌ای برعهده دارند و مرزها، کنش متقابل مرز نشینان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهند (میرحیدر - ۱۳۸۰: ۶۲-۶۱). به طور خلاصه می‌توان مرز را این‌گونه تعریف کرد:

مرز به پدیده‌های فضایی اطلاق می‌شود که منعکس‌کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک دولت بوده و مطابق قواعد خاصی در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا و... مانع ایجاد می‌کند» (درایسدل و بلیک، ۱: ۱۳۷۴: ۱۰۱)۹
هرچند که مرز به تنهایی دارای یک نقش و کارکرد است و آن تحدید حدود منطقه‌ای است که در آن یک نوع قدرت اعمال می‌شود؛ ولی به محض اینکه یک منطقه مرزی و یا خط مرزی به وجود آمد، نه تنها می‌تواند منظره طبیعی را که جزئی از آن به شمار می‌رود، بلکه عمران و سیاست کشورهای مجاور را نیز تحت تأثیر قرار دهد (پرسکات، ۱۳۵۸: ۶۱). برخی از جغرافی دانان و کارشناسان، پنج کارکرد اساسی و مهم برای مرزها در نظر می‌گیرند:

۱- کارکرد دفاعی: این کارکرد و نقش، از سنتی‌ترین نقش‌های مرز به شمار می‌رود. در این زمینه مرز با توجه به ساختار فیزیکی و ساختمان طبیعی، می‌تواند عامل مهمی در تأمین امنیت و ایجاد پدافند در برابر تهدیدها، هجوم‌ها و نفوذهای بیرونی باشد.

۲- کارکرد سیاسی: سیستم سیاسی بین‌المللی از تعدادی زیر سیستم تشکیل شده است که در بین آنها کشورهای دارای اقتدار از اهمیت بیشتری برخوردارند. از آنجا که هریک از این سیستم‌ها به وسیله خطوط مرزی از یکدیگر جدا می‌شوند، خطوط مرزی در سیستم بین‌المللی اهمیت فراوانی دارند.

۳- کارکرد اجتماعی: عملاً مرزها محدوده‌هایی را محصور می‌کنند که دارای جمعیت‌هایی از لحاظ اجتماعی یکپارچه هستند. از آنجا که کشوری سعی می‌کند از ویژگی‌ها و ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ملت خود صیانت کند بنابراین مرزها در این زمینه اهمیت می‌یابند.

۴- کارکرد اقتصادی: کشورها از طریق مرزهای بین‌المللی به عنوان زیر سیستم‌های اقتصاد جهانی هویت می‌یابند و هر کشوری دارای سیاست و برنامه اقتصادی مجزایی است که نسبت به منافع و مصلحت خود، آن را تنظیم می‌کند و از طرفی مرزها می‌توانند در مقابل برنامه‌ها و تهدیدهایی که اقتصادشان را به مخاطره می‌اندازد مانع ایجاد کنند (اخباری و نامی، ۱۳۸۸: ۲۷).

۵ - کارکرد امنیتی: هدف غایی و نهایی یک حکومت، تأمین امنیت کشور است. در دنیای امروز مفهوم امنیت بسیار گسترده شده و فراهم آوردن و ایجاد امنیت همه جانبه که همگی ابعاد امنیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را شامل می شود مستلزم این است که پیوند امنیت و سیاست خارجی را مد نظر قرار دهیم (سجادپور، ۱۳۸۳، ص ۲۳). بر همین اساس اصلی ترین دلیل ایجاد مرز را می توان امنیت عنوان کرد.

موضوع امنیت پیشینه ای به قدمت تاریخ جهان دارد. در عین حال در هر دوره تاریخی برداشت جدیدی از این مفهوم به دست می آید؛ امنیت ملی از دو بخش کاملاً به هم مرتبط امنیت داخلی و امنیت خارجی شکل گرفته است. تقویت و تضعیف یکی تقویت و تضعیف دیگری را به دنبال خواهد داشت. در بعد داخلی محافظت کشور در مقابل پدیده‌هایی نظیر وقوع بحران‌های داخلی، هرج و مرج، افزایش خشونت، بی ثباتی سیاسی و همچنین ایجاد فضای مناسب در جهت افزایش اقتدار ملی است. در بعد خارجی در جهت تأمین استقلال کشور و حفاظت از منافع و ارزش‌های ملی در مقابل هجمه دول متعارض، حفظ تمامیت ارضی کشور و تأمین و تعقیب منافع ملی با افزایش دایره نفوذ خود است. دولت‌ها با توجه به شناختی که از اهداف ملی خود دارند سیاست خارجی شان را تنظیم می کنند. امنیت ملی به عنوان یکی از مهم ترین مؤلفه‌های ملی، دولت‌ها را وادار می کند که از طریق درک نظام بین المللی، افزایش قدرت ملی و نحوه تعارض منافع ملی دولت‌ها، به این امر بپردازند. امروزه و در عصر جهانی شدن نیز به دلیل یک شدن جامعه جهانی همه مسایل به یکدیگر مرتبط و نزدیک می شود که یکی از این مسایل امنیت است. به عبارت دیگر در چنین محیط جهانی، امنیت یک کشور معادل امنیت همه است و برعکس؛ یعنی مفهوم امنیت یک مفهوم متقابل، مساوی و یکسان برای همه دولت‌هاست؛ به این دلیل هر رویدادی که در یک ناحیه اتفاق می افتد در نواحی دور و نزدیک تأثیر می گذارد.

بر همین اساس اصلی ترین دلیل ایجاد مرز را می توان امنیت عنوان کرد. امنیت از روزگارهای قدیم باعث شده که حکومت‌ها یک حد و قلمرویی برای سرزمین خود انتخاب کرده و از آن دفاع می کنند. امروزه نیز خطوط مرزی نقش امنیتی و حفظ امنیت سرزمینی کشورها و منافع آنان را با کارکردهای جدید دارند. ریشه عمده ای از مشکل‌هایی را که در داخل کشور بروز می کند، باید در مرزها جستجو کرد؛ زیرا ورود و خروج هرگونه اشخاص و کالاهای قاچاق، مواد مخدر و وسایل منکراتی که باعث اختلال در سیستم اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و بهداشتی می شود، از طریق مرزها انجام می گیرد و اگر واپایش مطلوبی در مرزها انجام شود، نه تنها امنیت در مرز بلکه در داخل کشور هم تأمین خواهد شد. تأمین امنیت ملی، فراتر از ابزارهای نظامی و قابلیت‌های جنگاورانه، نیازمند توجه به عوامل غیر نظامی نیز دارد. حتی فراتر از رشد و توسعه اقتصادی، باید به فرایندهایی نظیر توسعه سیاسی، مشارکت مردمی، مشروعیت رژیم سیاسی، انسجام و یکپارچگی ملی و توسعه فرهنگی در تأمین امنیت توجه داشت. به عبارت دیگر امنیت ملی محصول منطقی حضور تمامی مؤلفه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، زیست محیطی و... است.

مفهوم ایجاد امنیت در مرز، جلوگیری از هرگونه اعمال خلاف قاعده در طول مرزهای یک کشور و کانالیزه کردن تردد اشخاص و حمل و نقل با رعایت ضوابط قانونی از طریق دروازه‌های مجاز مرزی است؛ بنابراین مهم‌ترین و اصلی‌ترین نقش مرز ایجاد مانع در برابر حرکت انسان، کالا و افکار است که تحت عنوان امنیت مرز هم خوانده می‌شود. امنیت مرزی به معنای جلوگیری از هرگونه اعمال خلاف قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل کالا با رعایت ضوابط قانونی و از طریق دروازه‌های مجاز مرزی است (زرقانی، ۱۳۸۲، ص ۱۸). وقتی از امنیت مرزها صحبت می‌شود به معنی وجود ثبات در مرزها و نفوذ ناپذیری مرزها از حیث ورود کالای قاچاق، آسایش و ایمنی مرزنشینان، فقدان تهدید در مرزها و... است.

در مدیریت مرزهای خشکی کشور، الگوی تأمین امنیت مرزها به چگونگی بهره‌گیری از راهکارها و شیوه‌های مختلف برای حفظ و تأمین امنیت مرزی، اطلاق می‌شود. به طوری که این فعالیت‌ها به عنوان راهبرد جاری مرزهای کشور قلمداد می‌شود، همه سازمان‌های عامل در مرزها از جمله هیئت محترم دولت و در رأس آنها نیروی انتظامی طرح انسداد مرز را دنبال می‌کنند. انسداد مرزها با دو نظام سنتی مبتنی بر ایجاد موانع فیزیکی بر سر راه تردد و همچنین سامانه‌های پیشرفته و جدید همچون تجهیزات الکترونیکی و راداری و... همه نقاط مرز را واپایش و مراقبت می‌کند. برای اجرای طرح انسداد مرز، شناخت دقیق و کامل از مرز، مناطق مرزی، مناسبات میان دولت‌های همسایه و... ضروری است. در عصر جهانی شدن، باتوجه به معنای آن، به دلیل یک دست شدن جامعه جهانی همه مسائل به یکدیگر مرتبط و نزدیک می‌شود؛ یکی از این مسائل امنیت است. به عبارت دیگر در چنین جهانی امنیت یک کشور مساوی با امنیت همه کشورهاست و برعکس؛ یعنی امنیت مفهومی متقابل، مساوی و یکسان برای کشورهاست (بصیری، ۱۳۷۹: ۱۷۱).

جغرافی دان مشهور «پیترهاگت» در کتابش ضمن ارائه الگویی از کشورهای محصور در خشکی، دوازده محور جغرافیایی بالقوه در دسرساز را که می‌توانند موجب مشاجره و منازعه دولت‌های همسایه شوند را تشریح می‌کند (هاگت، ۱۳۷۶: ۳۷۸).

۱- تمایل دولت محصور در خشکی برای دسترسی به آب‌های آزاد از طریق فضای سرزمینی کشور یا کشورهای همسایه

۲- اختلاف تفسیر درباره خط تقسیم آب (آب پخشان)

۳- تغییر مرز بین المللی به دلیل تغییر مسیر رودخانه

۴- اختلاف در تعیین مرز و چگونگی بهره‌برداری از دریاچه مشترک

۵- ربودن آب‌های علیای رود

۶- گسترش سرزمین یک گروه واحد قومی در دوسوی مرز بین المللی

۷- حمایت از گروه اقلیت وابسته به گروه اکثریت در آن سوی مرز

۸- کوچ فصلی چادرنشینان دامدار در دو سوی مرز

۹- ادعای ارضی مبنی بر تهدید شهرهای مرزی

۱۰- جنبش جدایی طلبانه داخلی مورد حمایت همسایه یا همسایگان

۱۱- منبع نفتی امتداد یافته در دو سوی مرز

۱۲- منابع مهم معدنی با موقعیت سرحدی.

پیترهاگت بر این نکته تأکید می کند که فهرست او تنها شامل منشأ جغرافیایی تنش ها بوده و عامل های غیر محیطی را در بر نمی گیرد. البته باید توجه داشت که حتی منشأ جغرافیایی تنش ها نیز محدود به فهرست پیترهاگت نیست؛ بنابراین بخش دیگری از منابع مشاجره در جهان به شرح زیر قابل احصا خواهد بود.

با تأمل در سایر منابع مشاجره بین همسایگان مشخص خواهد شد که تنش ها و تهدیدهای خارجی شامل فهرستی طولانی است که هر یک از آنها می تواند زمینه هایی برای تکوین بحران های دوسویه یا چند سویه را فراهم آورد؛ بنابراین اشاره به سایر موارد تهدید زا میان کشورهای جهان حائز اهمیت است.

۱. اختلاف نظر در مورد چگونگی تحدید حدود رودخانه های قابل کشتیرانی مرزی

۲. اختلاف های دیرینه بر سر مالکیت جزیره یا جزیره ها

۳. چگونگی تحدید مرزهای دریایی و خشکی

۴. تداخل منابع و نیز منافع دولت های همجوار در دریاها

۵. اختلاف نظر یا تفسیر در محدوده صیدگاه ها

۶. ورود آواره گان ناشی از جنگ های داخلی به خاک و سرزمین دولت های همسایه

۷. ایجاد نوار امنیتی در حاشیه مرز و تعقیب مخالفان تا آن سوی مرزهای بین المللی

۸. مداخله نظامی برای حمایت از اتباع و هم کیشان

۹. در اختیار قرار دادن ایستگاه های رادیو تلویزیونی به مخالفان دولت همسایه

۱۰. تأسیس پایگاه های نظامی، از جمله تأسیسات موشکی در حاشیه مرز

منابع جغرافیایی مشاجره بین دولت های همجوار از نقطه نظر منشأ، ریشه و نیز نوع تنش، در سه گروه کلی جای می گیرد:

۱. اقتصاد جغرافیایی یا ژئو اکونومیک

۲. ژئو استراتژیک و ژئو پلیتیک

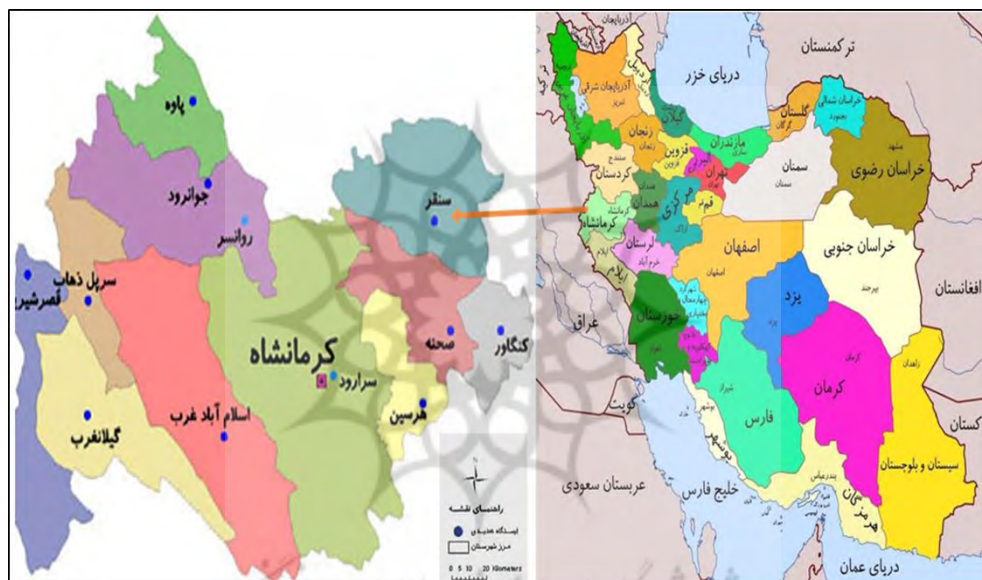
۳. جغرافیای فرهنگی یا ژئوکالچر (کریمی پور، ۱۳۷۱: ۳۵)

شایان ذکر است که گروه بندی قطعی منابع جغرافیایی تنش و تهدید خارجی و قرار دادن هر یک از آنها در یک گروه به سختی امکان پذیر است؛ چرا که برخی از این منابع می توانند ویژگی های مشترک «ژئواستراتژیک» و «ژئوپلتیک» داشته باشند. به عنوان نمونه، اختلاف نظر همسایگان بر سر مالکیت جزیره ها، می تواند جنبه های چندگانه ای داشته باشد. لازم به یادآوری است که هریک از این مفاهیم به اختصار در مفهوم شناسی مورد بررسی قرار گرفته اند.

منطقه مورد مطالعه

۳۱ استان ایران، ۱۶ استان مرزی هستند که از میان آنها، ۹ استان تنها مرز زمینی (اردبیل، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، کرمانشاه، کردستان، ایلام، خراسان شمالی، خراسان رضوی و خراسان جنوبی) دارند. ۳ تای آنها فقط از راه دریا (مازندران، هرمزگان و بوشهر) مرز دارند و ۴ تا از استان‌ها هم هر دو مرز زمینی و دریایی (گیلان، گلستان، سیستان و بلوچستان و خوزستان) را دارا می‌باشند.

استان کرمانشاه در غرب ایران، با مساحتی حدود ۲۴ هزار و ۴۳۴ کیلومتر مربع واقع شده است. این استان از شمال به استان کردستان، از جنوب به استان‌های لرستان و ایلام، از شرق به استان همدان و از غرب به کشور عراق محدود می‌شود. مرکز استان کرمانشاه، شهر کرمانشاه است و شهرهای مهم این استان عبارتند از: اسلام آباد غرب، پاوه، جوانرود، سرپل ذهاب، سنقر، صحنه، قصر شیرین، کنگاور، گیلان غرب، هریس (میره ای و همکاران، ۱۳۹۵).



نقشه ۱- استان کرمانشاه

منبع: (<http://www.ostan-ks.ir>)

استان کرمانشاه جزو نواحی کوهستانی کشور به شمار می‌آید که بین فلات ایران و جلگه بین‌النهرین واقع شده است. همچنین این استان در قسمت شمال غربی کوه زاگرس قرار گرفته که همین باعث شده، سراسر منطقه تحت پوشش قله‌ها و ارتفاعات این رشته کوه قرار گیرد. بر اساس نظریه زمین‌شناسان؛ استان کرمانشاه در دوران‌های مختلف زمین‌شناسی، بر اثر حرکت صفحه آفریقا- عربستان، به سمت صفحه ایران و در نتیجه پیدایش چین خوردگی و رسوبات دوران دوم و اوایل دوران سوم تشکیل شده است. ارتفاعات و چاله‌های موجود در منطقه، بعد از پیدایش، تحت تاثیر عوامل فرسایشی قرار گرفته است. جنس مواد تشکیل دهنده ناهمواری‌ها، اغلب رسوبی و از نوع آهک است که نمونه بارز آن کوه بیستون کوه‌بیستون کوه پرآو یا پرآب است (هاشمی، ۱۳۹۲).

از مهم‌ترین کوه‌های این استان می‌توان کوه‌های دالاهو، کوه‌های پرآو یا پرآب، کوه شاهو، کمر زرد، هزار خانی پایین، دالاخانی، کوه بدر، سیروله، بازی دراز و کوه سه سر را نام برد. وجود مجموعه ای از رشته کوه‌های موازی در استان، باعث پیدایش دشت‌های مرتفع کوهستانی در میان این رشته کوه‌ها شده است. از مهم‌ترین پهنه هموار استان می‌توان

ماهیدشت در جنوب غرب کرمانشاه را ذکر کرد. از دیگر دشت‌های وسیع سرسبز استان می‌توان به دشت حسن آباد، گاور، دیره، دینور، چم چمال، اسلام آباد و کزند، بشیوه پاتاق، ذهاب و سومار اشاره کرد. آب و هوای استان کرمانشاه تحت تاثیر عبور جریان هوایی مدیترانه ای و مناطق کوهستانی قرار دارد که به طور کلی به دو منطقه گرمسیری در غرب و سردسیری در سایر نواحی تقسیم می‌شود. ولی با این وجود می‌توان چهار نوع اقلیم متفاوت را برای استان بیان کرد که عبارتند از: زمستان ملایم و تابستان گرم و خشک در شهرستان‌های چون: قصر شیرین، سرپل ذهاب و دهستان ازگله. زمستان سرد و تابستان خنک در پاره، جوانرود و کزند. اقلیم نیمه خشک و استپی خنک در شهرستان‌هایی مانند: سنقر و دهستان پشت دربند. آب و هوای نیمه خشک و استپی گرم در کنگاور، صحنه و هرسین (استانداری استان کرمانشاه، ۱۳۹۸).

چمچال‌بادهای مهم استان کرمانشاه عبارتند از:

بادهای غربی که رطوبت نسبی اقیانوس اطلس و مدیترانه را همراه داشته و باعث بارندگی در منطقه می‌شود و اغلب در زمستان و بهار جریان دارد، نوع دوم؛ بادهای شمال هستند که این بادهای فصل تابستان می‌وزند و در اعتدال آب و هوای بخش از استان و کاهش گرمای آن موثرند، بادهای سام یا سموم نوع سوم بادهای هستند؛ فقط در منطقه نوار مرزی می‌وزند و هوای منطقه را در تابستان‌ها بسیار گرم و غیر قابل تحمل ساخته و خسارت‌های زیادی به جا می‌گذارد.

همچنین استان کرمانشاه دارای چهار حوزه آبریزی با رودخانه‌هایی به شرح زیر است: حوضه آبریز سیروان شامل آب لیل، زیمکان، آب زرشک، مره خلیل، گاو رود، علیا یا گاو وهره و آب شمشیر، حوضه آبریزگاه یا گاماسیاب و یا گاماسی شامل رودخانه‌های گاماسیاب، جامیشان و دینور، حوضه آبریز قره سو مشتمل بر رودخانه قره سو، رازآور، مرگ و قسمتی از حوزه آبریز سیمره، رود اروند رود و هزارخانی و اما چهارمین حوزه آبریز، حوضه آبریز الوند است که شامل رودخانه‌های الوند، دیره، گیلان غرب، قوره سو، چم امام حسن، آب ماهیت یا او ماهیت می‌شود. از دیگر رودخانه‌های این استان هواسان، کنگر و آب نعمت است.

بر اساس شواهد و مدارک باستان‌شناسی، استان کرمانشاه، جزو اولین زیستگاه‌های انسان و از مراکز مهم جمعیتی در زاگرس میانی، به شمار می‌رود. تمامی ادوار زندگی انسان از دوره سنگی و دوره‌های تمدن پیش از تاریخ تا تشکیل حکومت‌های بزرگ، سیر تحول خود را در این محدوده طی کرده است. براساس مدارک موجود باستان‌شناسی، انسان‌های اولیه، حدود ۹ هزار سال پیش پس از ترک زندگی غارنشینی و روی آوردن به یک جا نشینی، این منطقه را به عنوان محل سکونت خود انتخاب کرده و در آن جا ساکن شدند؛ بنابراین می‌توان گفت؛ نخستین روستای خاورمیانه در دوران نوسنگی از سال ۹۸۰۰ ق. م تا ۷۴۰۰ ق. م، در این منطقه شکل گرفته است. پس از مهاجرت اقوام آریایی در هزاره سوم و چهارم ق. م، دامنه کوه‌های زاگرس این منطقه به یکی از مراکز مهم تجاری و بازرگانی تبدیل شد. بازرگانان این منطقه با بازرگانان شوش و بین‌النهرین داد و ستد و تبادل کالا داشتند. این مهاجرت تاریخی بعدها به مهاجرت «گوتی» یا «کاسی» مشهور شد. ذکر طویفی که در زاگرس سکونت داشته اند در کتیبه‌های سارگن پادشاه

۵۸۲ فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیایا (پرنامه‌ریزی منطقه‌ای)، سال یازدهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۹

اکد که در سالهای ۲۰۳۰ تا ۲۰۴۸ ق. م، بر جنوب بین‌النهرین حکومت داشت، آمده است. ساکنان این منطقه شامل طوایفی به نام لولوبی، گوتی، منابی، نایری، آمادا، پارسوا هستند. لولوبی‌ها از اجداد لرهای ایران هستند که در گذشته در سرپل ذهاب و سلیمانیه کردستان عراق که بخشی از ایران محسوب می‌شد، ساکن بودند (یسازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۹۸).

در دوره ساسانی، استان کرمانشاه بیش از هر دوره دیگری از اعتبار و رونق خاصی برخوردار بود. شهریاران ساسانی به علت نزدیکی این منطقه به پایتخت آن‌ها یعنی تیسفون ایام تابستان را در قصرهای بیلاقی این منطقه می‌گذراندند. این استان در گذشته به عنوان دومین پایتخت ساسانیان مورد توجه حکومت بود و همین باعث به جا ماندن آثار بسیار زیاد و ارزشمندی در این استان مانند طاق بستان، کتیبه بیستون و معبد آناهیتا شده است. کرمانشاه در متون کهن پهلوی از جمله کارنامه اردشیر بابکان که مهم‌ترین سند پهلوی جهان است به نام «کردان شاه» آورده شده است. نام کرمانشاه یا کردان شاه را بهرام چهارم ساسانی که به مدت ۱۱ سال، حکومت ساسانی را بر عهده داشت - از سال ۳۸۸ تا ۳۹۹ میلادی - بر این منطقه گذاشته است. سیستم حکومتی ایران باستان به این گونه بود که تمامی شهرها پادشاهی از همان منطقه داشتند و همه این پادشاهان زیر نظر شاه شاهان که شاهنشاه نامیده می‌شده بودند. کتب باستانی ایران ساخت کرمانشاه را به طهمورث دیوبند نسبت داده است (فرمانداری کرمانشاه، ۱۳۹۸).

پس از حمله اعراب به ایران به فرماندهی سعد جریر در سال ۶۴۰ م و فتح کرمانشاه، این منطقه به کلی ویران و از جمعیت آن کاسته شد، در پی این حملات مردم کرمانشاه به شهر دینور مهاجرت کردند و بعد از آن از اوایل قرن دوم هـ. ق، مردم کرمانشاه شهری در حاشیه رود قره سو ساختند و در زمان حکومت عباسیان به علت موقعیت استراتژیک خود یکی از چهار شهر مهم عراق عجم به حساب می‌آمد.

کرمانشاه در دوره حکومت سلجوقی‌ها به طور رسمی کردستان نامیده شد. با حمله سپاه مغول به ایران در سال ۱۲۲۰ م، بار دیگر این منطقه ویران شد و در زمان لشکرکشی هلاکو خان به بغداد خسارات زیادی را متحمل شد. در دوران صفویان و در زمان حکومت شاه صفی، جنگ‌های میان دولت ایران و دولت عثمانی با انعقاد قرارداد ذهاب در سال ۱۰۱۸ هـ. ش، پایان یافت و بدین ترتیب کرمانشاه از عصر شاه صفی تا پایان دوره صفویه دورانی از آرامش همراه با پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را گذراند. در عصر افشاریه؛ به دلیل وجود توپخانه نادری در کرمانشاه این شهر اهمیت نظامی یافت و به جبهه جنگ نادر شاه با دولت عثمانی تبدیل شد. در دوران زندیه، این منطقه توسط، الله قلی خان زنگنه اداره می‌شد ولی در پی مرگ کریم خان، وی به عنوان یکی از مدعیان قدرت، برای دستیابی به تاج و تخت باعث بروز جنگ و وارد آمدن خسارت‌های فراوان در منطقه شد.

دولت قاجار نیز خدماتی را برای کرمانشاه به ارمغان آوردند. فتح‌لیشاه قاجار برای کوتاه کردن دست عثمانی‌ها در سال ۱۱۸۴ هـ. ش، فرزند خود محمد علی میرزای دولتشاه را برای سرکوب تجاوزهای عثمانی به حکومت کرمانشاهان منصوب کرد. در پی این انتصاب، وی این شهر را پایتخت خود قرار داد و بناهای بسیاری از جمله: دیوانخانه، حمام‌ها، مساجد و بسیاری دیگر را ساخت. فرزند دولتشاه بستان‌السیاحه، ۲۵ سال حاکم کرمانشاه بود و در راه آبادانی شهر کوشش نمود. بنای بازار مسقف فعلی و مسجد عمادالدوله یادگاری اوست. کرمانشاه در جنگ جهانی اول و دوم به

تصرف نیروهای خارجی درآمد و پس از پایان جنگ تخلیه شد. صدمات و خسارت‌های وارد شده به کرمانشاه و حتی کتیبه جهانی بیستون نشان دهنده ولی این جریان؛ اهمیت و موقعیت سوق الجیشی این منطقه در آن دوره بوده است (استانداری کرمانشاه، ۱۳۹۸).

در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ با روی کار آمدن رضاشاه پهلوی حکومت مرکزی توانست تا اندازه‌ای نفوذ و قدرت خود را در سراسر ایران تامین نماید و به آبادانی این منطقه در این دوره افزوده شد. متأسفانه در طول مدت ۸ سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، بار دیگر این استان متحمل خسارت‌های فراوانی گردید؛ که طی سال‌های بعد از جنگ مرمت و بازسازی شدند. استان کرمانشاه یکی از استانهای کردنشین کشور محسوب می‌شود. ساکنین این استان را کردها که از اقوام اصیل آریایی هستند تشکیل می‌دهند. غیر از ساکنین بومی، اقوام دیگری چون: ارمنی، ترک، عرب، لر و لک نیز در پی مهاجرت به این منطقه آمده و در آنجا ساکن شده‌اند؛ بنابراین از رایج‌ترین زبان‌های مورد استفاده در استان زبان کردی و زبان فارسی کرمانشاهی هستند. سابقه تاریخی کردها موجب پیدایش گویشهای بی شماری شده است که برخی از آنها عبارتند از: گویش کردی کلهری، گویش کردی اورامی، گویش کردی سورانی، گویش لکی. زبان کردی دارای چهار شاخه اصلی و شصت گونه گویشی را در بر می‌گیرد که چهار شاخه اصلی زبان کردی شامل: کرمانجی شمال، کرمانجی جنوب، کردی کرمانشاهی، اورامی و گوران است که هر یک گویشهای خاصی را شامل می‌شود.

زبان کنونی مردم کرمانشاه و کردستان بدون هیچ شک و شبه‌ای از پهلوی و اوستایی ایران گرفته شده است. مهم‌ترین سند ریشه پهلوی زبان کردی سروده‌های باباطاهر عریان شاعر بلند آوازه ایران است که به لهجه محلی می‌باشد و از واژه‌های پهلوی یا همان کوردی امروزی استفاده کرده است. جدای از این گویش‌ها، به دلیل مهاجرت اقوام مختلف زبان‌های دیگری نیز در استان مورد استفاده قرار می‌گیرد که عبارتند از: زبانهای ارمنی، ترکی، عربی و لری (سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کرمانشاه، ۱۳۹۸).

استان کرمانشاه از مراکز مهم جامعه عشایر کشور محسوب می‌شود. ساکنین این استان از قدیم، زندگی کوچ نشینی و عشایری همراه با دامداری داشته‌اند. مهم‌ترین عشایر و ایلات این منطقه عبارتند از: ایل گوران، ایل سنجابی، ایل کلهر، ایل نیروگاه حرارتی بیستونترکاشوند، ذوله، کمزند، بالوند یا زردبلان، ثلاث باباجانی، قبادی، جمیر یا جمهور و بان زدره. اقتصاد معیشتی ایل و عشایر استان به پرورش دام وابسته است و در عین حال؛ وجود مراتع غنی در دامنه‌های زاگرس، داشتن استعدادهای ویژه در زمینه آب و خاک آن را در ردیف یکی از قطب مهم دامپروری و کشاورزی در سطح کشور قرار داده است.

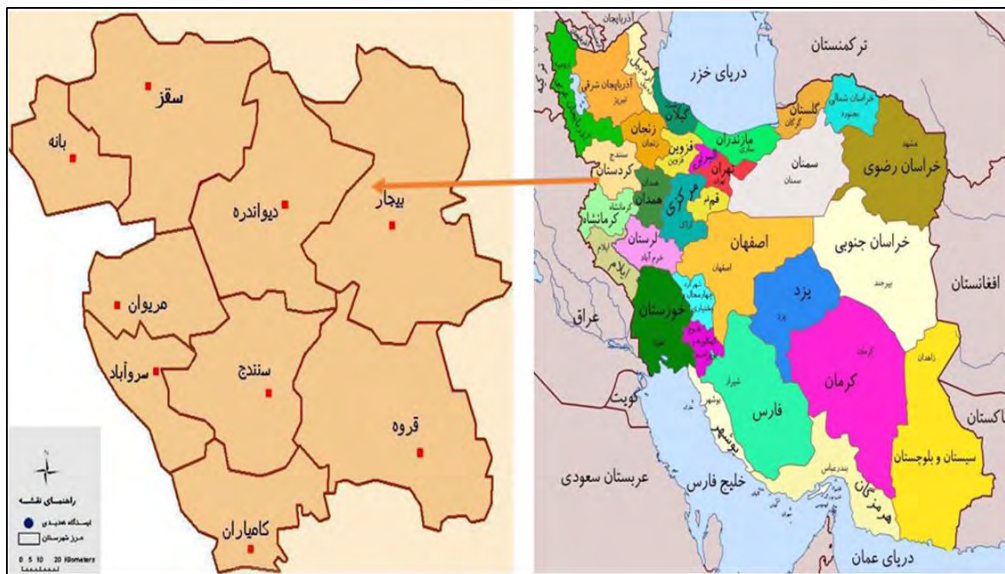
همچنین وجود منابع آبی فراوان از جمله؛ رودخانه‌های دایمی، چشمه‌ها، آبگیرها و تالاب‌ها شرایط مناسبی جهت توسعه پرورش ماهی در استان ایجاد نموده است. از دیگر منابع اقتصادی استان زنبور داری و پرورش طیور است. در بخش کشاورزی، استان کرمانشاه به علت داشتن شرایط خاص اقلیمی و وجود خاک‌های زراعی مرغوب، آب فراوان، دشت‌های وسیع و دره‌های حاصلخیز و طولانی یکی از نواحی مستعد کشاورزی در کشور به شمار می‌آید که امکانات

بالقوه بسیار بالایی برای توسعه کشاورزی برخوردار است. از مهم ترین محصولات کشاورزی این استان می توان: گندم، جو، چغندر قند، برنج، صیفی، سبزی و میوه هایی از قبیل: انار، بادامکوارتزیت، خرما، سیب، گردو و مرکبات را نام برد. استان کرمانشاه همچنین در بخش صنعت، فعالیت های چشمگیری دارد. واحدهای صنعتی پالایشگاه نفت، نیروگاه حرارتی بیستون، کارخانه نساجی غرب، پشم رسی غرب، پشم بافی کشمیر، کارخانه تولید انواع سیم و کابل برق، کارخانه رنگ سازی، کارخانه تولید نایلون، خوراک دام و طیور از جمله آنهاست. همچنین؛ پتروشیمی کرمانشاه، مجتمع شیمیایی بیستون، باختر بیوشیمی و کیمیای غرب گستر، سیمان غرب، چینی کرد، کاشی بیستون و کاشی کرد از مهم ترین واحدهای صنعتی استان است. از نظر ذخایر معدنی نیز این استان حائز اهمیت می باشد که عمده ترین آنها عبارتند از آهن، سرب، گوگرد، آلومیت، کوارتزیت (وزارت صنعت، معدن و تجارت، ۱۳۹۸).

۲- استان کردستان

استان کردستان با مساحتی حدود ۲۸ هزار و ۲۳۵ کیلومتر مربع در غرب ایران، قرار دارد. این استان از شمال با استان های آذربایجان غربی و زنجان، از شرق با استان های همدان و زنجان، از جنوب با استان کرمانشاه و از غرب با کشور عراق همسایه است. مرکز استان کردستان، شهر سنندج است و از شهرهای مهم آن می توان به شهرهای بانه، بیجار، دیواندره، سقز، قروه، کامیاران، مریوان اشاره کرد.

استان کردستان از لحاظ اقلیمی و طبیعی، یکی از مناطق کوهستانی کشور با دشت های مرتفع و دره های وسیع در سراسر منطقه است. این استان از مریوان شروع شده و تا دره قزل اوزن و کوه های زنجان جنوبی در شرق ادامه می یابد. رشته کوه های غرب کشور به صورت رشته هایی موازی، تمامی پهنه استان را در بر گرفته و محدوده طبیعی آن را تشکیل می دهند. ناهمواری های این استان با عنوان ناحیه کوهستانی کردستان مرکزی شامل دو بخش غربی و شرقی می شود و شکل پستی، بلندی و جنس زمین در این دو بخش با یکدیگر متفاوت است. بخش کوهستانی غربی از لحاظ یکنواختی و سستی جنس زمین دارای اشکال مشابه با ویژگی کوه های گنبدی شکل، شیب یکنواخت و ملایم همراه با دره های باز است. قسمت وسیعی از سنندج، مریوان، سرزمین های اطراف آنها تا جنوب کردستان و ناحیه کوهستانی چهل چشمه در بین مریوان و سقز، جزو این بخش کوهستانی محسوب می شوند (استانداری کردستان، ۱۳۹۸: ر. ک kurdestan.msy.gov.ir).



نقشه ۲- استان کردستان

منبع: (kurdestan.msy.gov.ir)

همچنین باید اضافه کرد که دنباله پستی و بلندی‌های این ناحیه از جنوب و شرق شروع شده و تا دامنه غربی در داخل کشور عراق ادامه دارد. بخش کوهستانی شرقی که با بخش کوهستانی غربی متفاوت است، از یک حصار کوهستانی سنگ‌های دگرگونی و رسوبی تشکیل شده است. این بخش از منطقه بیشتر به وسیله دشت‌های مرتفع هموار و تپه‌های ماهوری احاطه شده که از مهم‌ترین این دشت‌های حاصلخیز می‌توان از: مریوان، اوباتو، ئیلاق یا دهگلان، قروه و دشت کامیاران نام برد. بخش شرقی که قسمت‌های شرقی سنندج را دربرمیگیرد، درحد فاصل ناحیه غربی و شرقی، یک رشته از ارتفاعات آتشفشانی شمالی- جنوبی را به وجود می‌آورد. در این ناحیه به استثنای کوه‌های بیجار، دشت‌های وسیعی وجود دارد که مرتفع‌ترین دشت این ناحیه «هوهتو» خوانده می‌شود. بلندترین کوه‌های بخش کوهستانی شرقی، شاه نشین در شمال بیجار، شیدا در مرکز و پنجه علی بین قروه و سقز است. از دیگر کوه‌های مهم استان می‌توان به کوچسار، شیخ معروف، کانی چرمه، حلقه مسیر، سنا سره، میانه، مسجد میرزا، ملا کاوو، حسین بک، پیازه، تخت، هو عالی داغ، چهل چشمه، هوار برزه، چرخ لان و کوه سراج الدین اشاره کرد. در کل؛ مرتفع‌ترین قسمت استان، کوه شاهو با ارتفاع ۳،۳۰۰ متر و کم‌ارتفاع‌ترین منطقه، منطقه آلوت در بانه با ارتفاع ۹۰۰ متر است. آب و هوای استان کردستان تحت تاثیر توده‌های هوای گرم و مرطوب مدیترانه ای قرار دارد که این توده هوایی باعث بارندگی‌ها در بهار و ریزش برف در زمستان می‌شود. این توده هوا از اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه با برخورد به ارتفاعات زاگرس بخش قابل توجهی از رطوبت را به صورت بارش‌های پراکنده برف و باران در این منطقه نشان می‌دهند. نفوذ توده‌های مرطوب زمستانی و بهاری در مریوان و دریاچه زیوار تاثیر فراوانی در اعتدال و مرطوب شدن هوای این ناحیه دارد. این استان به طور کلی تحت تاثیر دو جریان آب و هوایی گرم و سرد قرار دارد. در منطقه استان کردستان اقلیم‌های گوناگونی وجود دارد که انواع آن در نواحی مختلف به این صورت است: زمستان سرد و تابستان معتدل در دره میرآوا یا امیرآباد، زمستان معتدل در دشت اوباتو مسیر سنندج- سقز، زمستان سرد با یخبندان‌های طولانی

و تابستان گرم در طی روز و شب‌های خنک در مسیر مریوان- دربند ذلی، آب و هوای مرطوب و معتدل در ناحیه اورامانات و در آخر اقلیمی نیمه خشک و نیمه مرطوب در مسیر سنندج - مریوان. در استان کردستان به علت وجود کوه‌های متعدد و بارندگی‌های زیاد رودهای پرآبی جریان دارند که اراضی وسیعی از این منطقه را در بر می‌گیرند و مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: قشلاق، گاو رود، گزان در سنندج، قم چقا، قزل اوزن، کوه زن، اوزن دره، چم، تلوار، شور، طهماسبی، رود سقز، آنیان و سته در سقز، رنجلان، گاران، نگل، کلاترزان، چاولکان، کوماسی سیروان؛ که از میان این رودخانه‌ها شعبه‌های رود قزل اوزن در نواحی کوهستانی غربی و رود سیروان در شرق و شمال شرقی، از مهم‌ترین رودهای جاری استان به شمار می‌آیند (استاندارداری کردستان، ۱۳۹۸: ر. ک kurdestan.msy.gov.ir).

استان کردستان بخشی از سرزمینی است که تحت حاکمیت مادها قرار داشت. مرز تاریخی سرزمین‌هایی که بوسیله مادها اداره می‌شده، در شمال به «اوراتو»، در غرب به «آشور» و در جنوب و جنوب غربی به ایلام و سومر منتهی می‌شد. قبل از تشکیل دولت مادها در ایران چهار طایفه به نام‌های «هوریان»، «لولوبیان» اجداد طوایف لرها، «کامیاران» اجداد مادها و گوتیان زندگی می‌کردند. تاریخ اقوام کرد تا قبل از اسلام چندان روشن نیست. بر اساس اسناد و مدارک به جا مانده کردها از «طایفه گوتیان» بودند که بارها مورد تاخت و تاز آشوری‌ها قرار می‌گرفتند. این قوم بعدها با دولت ماد متحد می‌شوند و آشوریان را منقرض کردند. همچنین بر اساس متن نوشته کتیبه داریوش در تخت جمشید و بیستون: دولت ماد در سال ۵۵۰ ق. م، در قلمرو دولت هخامنشیان قرار داشته است در عصر سلجوقیان و به ویژه در عهد حکومت طغرل بیگ تمامی ناحیه کوهستانی غرب ایران یعنی کردستان، به عراق عجم نام گذاری شد و در منشوری از خلیفه عباسی، در سال ۴۳۷ هـ ق، از طغرل بیگ سلجوقی به عنوان «ملوک العراقین» نام برده شده است. به نظر می‌رسد که در دوره ایلخانان مغول، کردستان جزو عراق عجم محسوب می‌شد. در کتاب «سفر جنگی گزنفون» به نام «کردوخوی» برای اقوام کرد اشاره شده است. این قوم در کوه‌ها و دره‌های میان عراق و ارمنستان و به خصوص در محلی که امروزه «زخو» نامیده می‌شود قرار دارد، ساکن بودند. هرچند تاریخ اقوام کرد در پیش از اسلام تاریک و مبهم است ولی در دوره پس از اسلام پیشینه‌ای روشن تر دارد. در اوایل قرن هفتم هجری، سلیمان شاه از ترکمانان ایوه بر آن حکومت کرده است. شرف الدین بدلیسی حدود کردستان را در روزگار صفوی و در کتاب «شرف نامه» خود با افزودن ولایت لرستان یک جا ذکر می‌کند و در شرف نامه سرزمین لرستان و قوم لر را با کردها یکی می‌شمارد. اعراب در تاریخ ۱۶ یا ۲۰ هـ ق، قلعه‌ها و استحکامات کردها را تصرف کردند. در ۲۳ هـ ق، که سپاه عرب در ایالت فارس مشغول فتوحات بود، کردهای فارس در دفاع از فسا و دارابجرد شرکت داشتند. فتح شهر زور و داراباد که از شهرهای کردنشین بودند، در سال ۲۲ هـ ق، صورت گرفت. ابوموسی اشعری در سال ۲۵ هـ ق، کردها را سرکوب کرد. در سال ۳۸ هـ ق، کردهای ناحیه اهواز، در قیام خریت ابن راشد برضد «امیرالمؤمنین علی (ع)» جانب خریت را گرفتند، اما پس از قتل «خریت» این قیام سرکوب و عده زیادی از آنان کشته شدند. در سال ۹۰ هـ ق، کردهای منطقه فارس سر به شورش برداشتند و این شورش به وسیله حجاج ابن یوسف ثقفی سرکوب شد. در سال ۱۴۸ هـ ق، کردهای موصل قیام کردند و منصور خلیفه عباسی، خالد برمکی را برای سرکوبی آنان به آنجا فرستاد و وی نیز شورش کردها را سرکوب کرد. در سال ۲۲۴ هـ ق. یکی از پیشوایان کردهای اطراف موصل به نام جعفر ابن

فهرجیس برضد خلیفه معتصم سر به شورش گذاشت خلیفه سردار معروف خود «آیتاخ» را به جنگ او فرستاد. در دوره حکومت صفویه قسمت وسیعی از کردستان آن روز تحت تسلط دولت ایران قرار داشت که شامل دامنه‌های شرقی کوه‌های زاگرس بود. با تشکیل سلسله زندیه، برای نخستین بار در تاریخ ایران سلسله‌ای کرد نژاد به سلطنت رسید به طوری که در اواخر حکومت زندیه، قسمتی از آذربایجان غربی به تصرف طایفه دنبلی که یکی از طوایف بزرگ کرد بودند، درآمد و شهر خوی را به عنوان مرکز حکومت و قدرت خود انتخاب کردند. در قرن نوزدهم میلادی بارها کردها در خاک عثمانی میل باطنی خود را برای رسیدن به استقلال و تشکیل دولتی کرد زبان ظاهر کردند. در سال ۱۸۷۸ میلادی، شیخ عبیدالله نقشبندی به فکر تاسیس کردستان مستقل تحت حمایت دولت عثمانی افتاد در پی این تصمیم، طرفداران وی در سال ۱۸۸۰ میلادی، اطراف ارومیه، ساوجبلاغ، مراغه و میاندوآب را به تصرف خود درآوردند که این خود باعث متحمل زحمات زیاد سپاهیان ایران برای به دست آوردن این منطقه شد. قاضی محمد همزمان با حضور قوای متفقین در سال ۱۹۴۶ میلادی در ایران و با حمایت دولت روسیه شوروی، جمهوری خلق کردستان را که مرکز آن مهاباد بود، تشکیل داد. پس از تخلیه کامل ایران از قوای متفقین و اعزام ارتش دولت مرکزی به نواحی آذربایجان و کردستان، این شورش و جمهوری ناشی از آن نیز از هم متلاشی گردید. بنا به پیش نویس شماره ۱۲۷۵ در سال ۹/۹/۱۳۱۶، ایران به شش بخش تقسیم شده بود. استان‌ها غربی شامل شهرهای کردستان، کرمانشاه، لرستان، همدان، خوزستان و کهگیلویه بود. بالاخره در سال ۱۳۳۷ هـ. ش، با توجه به فرمان شورای وزرا، کردستان از پنجمین استان جدا شد و استان کردستان را تشکیل داد (وزارت کشور، ۱۳۹۸).

به استناد شواهد و مدارک مستند تاریخی، قوم کرد یکی از نژادهای آریایی هستند که در هزاره دوم قبل از میلاد از کناره‌های دریای خزر به سلسله کوه‌های زاگرس آمده و با غلبه بر قدرت آشوریان در نینوا، امپراطوری مادها را در قرن هفتم قبل از میلاد در ایران پایه گذاری کردند. این استان یکی از استان‌های کردنشین در غرب ایران است. اکثر ساکنان این استان، کرد زبان هستند که به لهجه‌های مختلف صحبت می‌کنند. گروهی از مردم شناسان بر این باورند که زبان کردی یکی از زبان‌های گروه هند و اروپایی و ایرانی است. زبان کردی در استان کردستان و همچنین در استان‌های ایلام، کرمانشاه، همدان، آذربایجان غربی و شمال خراسان و دیگر کشورها، لهجه‌های گوناگونی دارد اما مهم‌ترین و پر تکلم‌ترین این لهجه‌های کردی شامل دو شاخه «کرمانجی» و «سورانی» است، شاخه سورانی در استان کردستان لهجه رایج در ادبیات مکتوب است. به غیر از زبان کردی مردم برخی از بخش‌های کرانی شهرستان بیجار و بخش مرکزی شهرستان قروه به زبان ترکی آذربایجانی صحبت می‌کنند. همچنین تکلم زبان لکی در بخش چهار دولی در شهرستان قروه نیز رواج دارد.

جامعه عشایری در ترکیب اجتماعی استان کردستان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عشایر این استان از طوایق قدیمی کرد ایران هستند که بیشتر آنان در مناطق بانه سقر، مریوان، دیواندره، سنندج و اورامانات اسکان یافته و یا به صورت محدود و کوتاه کوچ می‌کنند و در اغلب مواقع به دامپروری می‌پردازند. استان کردستان از نظر کشاورزی در سطح کشور از اهمیت بالایی برخوردار است. وجود منابع آبی کافی، وجود منابع خاک کافی، بارندگی مناسب، وجود

مراعات غنی و زیاد و وجود دشت‌های حاصلخیز چون دشت مریوان و قروه باعث توسعه و افزایش توان بخش کشاورزی استان شده اند. تولیدات کشاورزی این استان به ترتیب اهمیت، گندم، جو و حبوبات تشکیل می‌دهد که دو به دو صورت دیمی و آبی صورت می‌پذیرد. در بخش دامپروری، یکی از قطب‌های اصلی دامداری کشور به حساب می‌آید و از میان دام‌ها، گوسفند و بره بیش‌ترین اهمیت و تعداد را دارد. از دیگر فعالیت‌هایی که در این استان انجام می‌گیرد، پرورش زنبور عسل است که در کردستان از رونق بسزایی برخوردار است. فعالیت‌های صنعتی استان کردستان نسبت به سایر استان‌های کشور بسیار محدود است و از مناطق توسعه نیافته صنعتی کشور به شمار می‌رود. صنایع این استان به طور کلی، به دو گروه ماشینی و دستی تقسیم می‌شوند: صنایع ماشینی استان مشتمل بر گروه‌های صنایع کانی غیرفلزی، شیمیایی، سلولزی، نساجی و چرم، غذایی، برق و الکترونیک هستند. در بخش صنایع دستی نیز در حال حاضر در نقاط شهری و روستایی کردستان عده زیادی به تولید محصول‌های گوناگون دستی که هم مصرف خانگی و هم ارزش تجاری دارند مشغول هستند. اهم این صنایع دستی عبارت‌اند از: فرش بافی، گلیم‌بافی، نساجی، نازک‌کاری چوب، گیوه‌دوزی، خراطی، سوزن‌دوزی، قلاب‌دوزی، پولک‌دوزی، منجوق‌دوزی و ساخت زینت‌آلات محلی (سازمان گردشگری و میراث فرهنگی کشور، ۱۳۹۸).

یافته‌های پژوهش

مهم‌ترین تهدیدات امنیت ملی ایران در مرزهای کرمانشاه و کردستان عبارت‌اند از:

۱- تهدیدات سیاسی و امنیتی

مرزهای هر کشور خصوصاً آن دسته از کشورها که سابقه تنش و مشاجرات مرزی را در کارنامه خود دارند و کشور همسایه و همجوار را منبع تهدید و دشمنی تلقی می‌نمایند؛ قلمروهای مرزی میان خود و دیگران را از کانون‌های جدی مناقشه تلقی نموده و هرگونه تحرکی در محدوده‌های مرزی، با نگاه امنیتی و سخت‌افزاری رو به رو می‌شود. در کشورهای با ترکیب ناهمگون، همواره مرزها از اهمیت سیاسی و امنیتی برخوردار می‌گردند و اگر مرزها محل پراکنش قومی خاص باشند و منطقه دارای اقلیت اکولوژیک باشد و زبانه‌های قومی در کشورهای دیگر کشیده شده باشد؛ وضعیت امنیتی مرزها دو چندان می‌گردد. نمونه مشخص این مسئله، کردستان ایران است. این منطقه که در چهار استان آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و ایلام گسترده می‌باشد؛ منتهی‌الیه قلمرو سیاسی و حکومتی ایران محسوب می‌گردد. این منطقه که از وضعیت اکولوژیکی و پیوندهای تاریخی ملموسی برخوردار می‌باشد؛ «کردستان ایران» نامیده می‌شود. این جای نام از زمان سلطان سنجر سلجوقی در قرن ۱۳ میلادی، بر این پهنه ی جغرافیایی اطلاق گردیده است. اولین مرحله تقسیم خاک کردستان به دنبال هم‌آوردی‌های میان صفوی و عثمانی در سال ۱۵۱۴ و بعد از شکست سپاه ایران در منطقه چالدران صورت پذیرفت که به دنبال آن بخش اعظم کردستان، در محدوده ی قلمرو سرزمینی عثمانی واقع شد. این مرحله از تقسیم، در زمان حکومت‌های از نوع تریتوریالی و یا سرزمینی به وقوع پیوست. مرحله بعدی تقسیم، بعد از شکست عثمانی در جنگ جهانی اول و برپایه مفاد قرارداد سایکس-پیکو، کردستان عثمانی در میان کشورهای ترکیه، عراق و سوریه تقسیم گردید و هرکدام از بخش‌های کردستان در محدوده ی قلمرو

دولت‌های جدید و با الگوی معیوب (Nation-State) مدنظر قدرت‌های فاتح جنگ و دولت‌های دست‌نشانده‌ی کشورهای تازه تاسیس واقع شدند.

همپوشانی اکولوژیک کردستان در تمامی بخش‌های آن، حساسیت‌های سیاسی و امنیتی خاک کردستان را در کشورهای چهارگانه به دنبال داشته است. در این میان مرزهای همجوار که با محدوده‌ی نشیمنگاهی کردها مطابقت می‌نماید، بعنوان محدوده‌های خاص و با ضریب سیاسی و امنیتی بالا، طبقه‌بندی می‌شوند. کارگزاران سیاسی و امنیتی که با خوانشی صدرصد تمرکز گرایانه به مقوله مرز می‌نگرند؛ به تصور بالا بردن ضریب امنیتی، نگاه انقباضی در برخورد با پدیده‌های انسانی در جوامع مرزی را سرلوحه کار خود قرار می‌دهند. انقباض مرزها در ادوار مختلف و به بهانه‌های گوناگون، از این زاویه قابل تحلیل و بررسی است. مسئله کردستان و مرز در کشورهای چهارگانه باید به عنوان واقعیتی منحصر به فرد قلمداد گردد و با اتخاذ سیاست‌های انبساطی و واقع‌گرایانه، مفهوم امنیت و سیاست در برخورد با این قلمرو، با نگاهی چند بعدی مورد بازنگری جدی واقع شود. الگو برداری امنیتی از هم دیگر در مواجهه با مسئله مرز و کردستان در کشورهای چهارگانه، نه تنها به فروکش کردن خوانش‌های هویتی و قلمروی در این منطقه کمک ننموده است بلکه موجب شکل‌گیری بلوک بندی‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای گردیده و زمینه دخالت را فراهم نموده و به بغرنج شدن مسئله‌ای انسانی در منطقه دامن زده است. این کشورها به جای الگو برداری حذفی در مواجهه با مسئله‌ای مطالبه‌ای و انسانی، می‌بایستی الگوی دولت خوب یا Good Government را از کشورهای با چنین مسائلی اتخاذ می‌نمودند. عملیاتی نمودن الگوی تفویضی در حوزه‌ی ساختار سیاسی فضا، که نمونه‌ی آزمون شده آن در الگوی ساتراپ نشینی هخامنشی، به خوبی جوابگو بوده است؛ می‌تواند برای امروز ایران بسیار کارآمد و موجب همگرایی و انبساط خاطر برای تمامی باشندگان سرزمین مشاع قلمداد گردد. واگذاری قلمرو به باشندگان هر منطقه، توهم امنیت مرزها را برخواهد چید و مفهوم ذهنی و پرطمطراق «مرزداران غیور» را در فضای واقعی و ملموس عینیت می‌بخشد. بهتر است حکومتگران در ایران به فلسفه تشکیل حکومت-کشور در این پهنه‌ی سرزمینی برگردند.

۲- تهدیدات اقتصادی

از لحاظ اقتصادی نواحی مرزی، از زمان شکل‌گیری دولت‌های جدید در منطقه و خصوصاً ایران، به دلیل خوانش تمرکز گرایانه سیاسی و امنیتی، از جمله عقب مانده ترین مناطق در کشور محسوب می‌شوند. بنیان توسعه اقتصادی در یک منطقه، بر پایه بستر امنیتی و روانی برپا خواهد شد که متأسفانه به دلیل نگاه تک بعدی در حوزه سیاست و امنیت، کردستان و دیگر مناطق حاشیه‌ای که تفاوت‌های فرهنگی با مرکز را به یدک می‌کشند، دچار آسیب پذیری جدی گردیده‌اند. کردستان ایران از زمان شکل‌گیری دولت شبه مدرن، چه در دوران حکومت پهلوی و چه در حکومت چهل ساله جمهوری اسلامی، از جمله مناطق عقب‌نگه داشته شده در پهنه‌ی سرزمینی ایران به شمار می‌رود. این منطقه‌ی جغرافیایی که همپوشانی اکولوژیک با دیگر بخش‌های کردستان را داراست در مقایسه با دیگر مناطق ایران از کمترین توسعه اقتصادی برخوردار بوده و با توجه به توانمندی‌های سرزمینی می‌بایستی از مناطق ثروتمند و برخوردار کشور به حساب می‌آمد.

توسعه یافتگی کشورها بدون توجه به ساختار فضایی و پراکنش انسانی از لحاظ انگاره‌های فرهنگی بسیار مشکل می‌نماید. شناخت کشور از لحاظ بنیان‌های طبیعی و انسانی و دادن فرصت عرض اندام به تمامی بخش‌های یک کشور در باز انکشاف توانایی‌ها و پتانسیل‌های خدادادی، مستلزم اراده‌ی معطوف به عمل و باور عمیق به مقوله‌ی عدالت جغرافیایی است. کردستان ایران به دلیل موقعیت مناسب جغرافیایی، شرایط مساعد آب و هوایی، بارش فراوان، غنی بودن بنیان‌های زیستی (آب و خاک)، منابع غنی زیر زمینی، مراودات تجاری، پتانسیل بالای توریستی و نیروی انسانی کارآمد، از جمله مناطقی محسوب می‌شود که در صورت اهتمام و توجه همه‌جانبه، از توانمندی بالای توسعه یافتگی برخوردار است.

کردستان ایران خصوصاً نواحی و شهرهای مرزی این منطقه، از لحاظ انگاره‌های اقتصادی و شاخص‌های توسعه یافتگی در انتهای جدول شهرهای ایران واقع شده‌اند. مرزهای که از لحاظ بنیان‌های زیستی، معدنی و بازرگانی دارای پتانسیل بسیار قوی در راستای تغییر وضعیت معیشتی و اقتصادی ساکنان خود می‌باشد؛ قربانی موقعیت جغرافیایی شده است. توسعه اقتصادی کردستان ایران بدون توجه به مقوله‌ی سیاست و نگاه بالا دستی امکان پذیر نخواهد بود. تا زمانی که کردستان از زاویه تنگ تمرکز گرایانه نگریسته شود و هرگونه تحرکی در راستای سرمایه‌گذاری به بهانه‌های مختلفی همچون مجاورت با مرزها، عدم امنیت، وضعیت توپوگرافیکی و نبود زیرساخت‌ها توجیه منفی شود، این مناطق همچنان از لحاظ توسعه یافتگی در انتهای جدول استانهای ایران باقی خواهند ماند. مردمان ساکن در کردستان ایران به دلیل همجواری با اقلیم کردستان و مناطق کردنشین ترکیه به خوبی و با نگاهی موشکافانه به بررسی و تطبیق توسعه یافتگی مناطق خود و همجوار می‌پردازند. یکی از مهمترین فاکتورهای اساسی در تحرک بخشی به مقوله توسعه اقتصادی، بهبود و توسعه‌ی راه‌های ارتباطی استاندارد و آبرومند است. متأسفانه کردستان ایران خصوصاً شهرستان‌های مرزی فاقد هرگونه راه استاندارد و آبرومندی می‌باشند این درحالی است که بیشترین منابع ارزی استان‌های کردنشین ایران از همین شهرستانها سرچشمه می‌گیرد.

اقلیم کردستان با وجود تمامی مشکلات ساختاری، درگیری با داعش، قطع بودجه کردستان توسط دولت مرکزی عراق و بیش دو میلیون آواره از وضعیت به مراتب بهتری از لحاظ معیشت برخوردارند و اقتصاد کردستان عراق در مسیر پیشرفت و بهبود گام بر می‌دارد. برای نمونه راه‌های دسترسی به مرز بین المللی باشماق در دو سوی مرز بسیار تامل برانگیز است. در حالی که میزان درآمد ارزی جمهوری اسلامی از عایدات مرز باشماق می‌تواند بسیار هنگفت و چشمگیر است؛ راه‌های منتهی به مرز باشماق از سمت کردستان ایران بسیار بد، خطرناک، دو طرفه و غیر استاندارد است و سالانه از ورودی مرز ایران تا سنندج، ده‌ها نفر از هموطنان عزیزم دچار سوانح جدی جاده‌ای می‌گردند این در حالی است که کردستان عراق با وجود تمامی مشکلات، هم‌اکنون اتوبان سلیمانیه به مرز باشماق در مراحل اتمام و بهره برداری است. آنچه مسلم است توسعه اقتصادی یک منطقه بدون وجود انواع راه‌های ارتباطی استاندارد زمینی، ریلی و هوایی امکان پذیر نخواهد بود، لذا توجه اساسی و ساختاری به مسئله راه‌های ارتباطی کردستان، از مهمترین اورژانسی‌ترین مطالبه‌ی اقتصادی مردمان این سرزمین است. سیمای اقتصادی مناطق کردنشین ایران به هیچ عنوان معرف توسعه اقتصادی در قرن بیست و یکم نیست. درصد بیکاری این مناطق، همواره چند برابر میانگین رسمی

کشوری است و اشتغالی که در منابع رسمی از آن تحت عنوان شغل نام برده می شود، اشتغال از نوع فصلی و مقطعی است. مرزها سیمای واقعی توسعه یافتگی در یک کشور است تا زمانی که مرزها بعنوان حواشی و مناطق پیرامونی در برنامه ریزی‌های توسعه‌ای قلمداد گردند، مفهوم واقعی توسعه در یک کشور، گمان آلود و ناپدیدار جلوه گر خواهد شد. همانطور که محتویات یک مغازه از لحاظ جنس و کیفیت در سیما و شمایل ویتترین آن هویداست، میزان توسعه یافتگی و کامرانی باشندگان یک کشور و سرزمین نیز در سیما و قامت مرزهای آن جلوه گر می‌نماید.

نتیجه گیری و دستاورد علمی پژوهشی

مسائل امنیتی یک کشور به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم می شوند که این دو را نمی توان جدای از یکدیگر دانست. با این همه می توان گفت که امنیت داخلی غالباً متوجه مرزهای داخلی کشور است و بیشتر تهدیداتی را بررسی می‌کند که می‌تواند امنیت را در داخل مرزهای کشور به خطر اندازد. مسائل مختلفی می‌تواند در حوزه امنیت داخلی کشور نقش آفرین باشد. کشورها نیز برنامه‌های متعددی برای حفظ امنیت داخلی خود به کار می‌بندند؛ اما در نگاه به مسئله امنیت داخلی، نقاط مرزی مورد توجه بیشتری قرار می‌گیرند، لذا برای تأمین امنیت نقاط مختلف کشور باید اول تهدیدات امنیتی مرزهای آن منطقه را شناسایی و پس از آن برای برقراری امنیت کل کشور برنامه‌ریزی و اقدام نمود. جمهوری اسلامی ایران به دلیل گستره مرزی و وجود کشورهای ناآرام در همسایگی خود، کار سخت و حساسی را در تأمین امنیت خود دارد و در این مسیر با چالش‌ها و تهدیدات متنوعی در مرزهای خود روبرو است. در مسئله تأمین امنیت مناطق کشور، دو منطقه مهم که از لحاظ امنیتی دارای ویژگی‌های خاصی است؛ جنوب غرب و شمال غرب کشور است که در این مناطق همسایه‌های کشور ما آذربایجان، ارمنستان، ترکیه، عراق و برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس هستند که هر کدام از آنها چالش‌هایی را از لحاظ امنیتی دارا می‌باشند و از همین رو کشور ما را نیز از لحاظ امنیتی تحت تأثیر قرار می‌دهند. حضور گروه‌های تروریستی در این کشورها و قدرت یافتن گروه تروریستی داعش و حمایت برخی کشورهای همسایه از این گروه در کنار ضعف برخی از همسایگان برای مقابله کامل با داعش و دیگر تروریست‌ها، مشکلات متعددی را برای کشور ما به ارمغان آورده و هزینه‌های زیاد و ناخواسته انسانی و اقتصادی را به کشور تحمیل می‌کند.

حساس بودن مرزهای غربی کشور، به دلیل نامنی‌های آن طرف مرزها و ضرورت جلوگیری از تهدیدات احتمالی آینده از این نواحی، تأمین امنیت این منطقه را برای ایران ضروری کرده است. لذا سپاه پاسداران به عنوان تأمین کننده امنیت این منطقه تلاش دارد که در حوزه‌های مختلف نقش آفرین تأمین امنیت باشد. جالب توجه اینکه به دلیل وجود قومیت‌های متنوع و وجود اقلیت‌های مذهبی، برخی از گروه‌ها فعالیت‌های زیادی برای برهم زدن امنیت این مناطق انجام می‌دهند. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به این اقلیت‌های قومی و مذهبی به عنوان یک تهدید نگریسته می‌شد، اما جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران به این قومیت‌ها و مذاهب به عنوان یک فرصت برای تأمین امنیت می‌نگرد و با بهره‌گیری از توان آنها امنیت بخشی از مناطق را تأمین می‌کند. ایران در محیط پیرامونی خود همواره با چالش‌ها و مشکلات متعدد و متداومی روبه‌رو بوده و این مشکلات در تمام حوزه‌های این محیط امنیتی باز تولید شده است.

در گذشته، چالش‌های امنیتی ایران که از محیط پیرامونی آن ناشی می‌شد به اشکال متفاوتی وجود داشت و از ناامنی‌های مرزی و بی‌ثباتی‌های موقت تا حملات و جنگ‌های طولانی مدت نظامی را در بر می‌گرفت. اکنون نیز این مسئله در قالب‌ها و مؤلفه‌های مختلفی تجلی یافته است. در حال حاضر، تروریسم و افراط‌گرایی، بحران اقتدار و وجود دولت‌های ضعیف و همچنین مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای، ۴ چالش امنیتی در محیط پیرامونی ایران محسوب می‌شود که با یکدیگر ارتباطی چند بعدی و تنگاتنگ دارند. در این میان، به نظر می‌رسد وجود دولت‌های ضعیف و بحران اقتدار و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای باعث تحریک دو مؤلفه دیگر یعنی اشاعه تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی و قومی در این مناطق باشد. دولت‌های ضعیف و شکننده در حوزه جنوب غرب و شمال غرب باعث گسترش تروریسم و افراط‌گرایی شده و علاوه بر این، زمینه تداوم حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای بخصوص آمریکا را نیز فراهم می‌سازد. در کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس نیز بحران اقتدار و ضعف دولت‌ها، زمینه را برای همکاری نامتقارن با قدرت‌های فرامنطقه‌ای (بخصوص آمریکا) و افزایش مداخلات قدرت‌های خارجی فراهم ساخته است. این مسائل با توجه به ساخت قومی و اجتماعی منطقه و تجارب خاص دولت-ملت‌سازی، باعث پیچیدگی شرایط امنیتی می‌شود. اختلافات قومی، وجود دولت‌های اقتدارگرا، بحران مشروعیت، عدم وجود دموکراسی و نهادهای مدنی به همراه اقتصاد ضعیف در برخی از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از جمله عوامل دیگری است که موجب بروز بی‌ثباتی و ناامنی در محیط امنیتی ایران خواهد شد. تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی و قومی در منطقه در طول سال‌های اخیر افزایش یافته است و این امر نظم و ثبات سیاسی-اجتماعی و پیشرفت اقتصادی کشورها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. وهابیت و سلفی‌گری به عنوان یک ایدئولوژی مذهبی افراطی، منبع عمده گسترش تروریسم و تنش‌های مذهبی می‌باشد که این ایدئولوژی به واسطه آشفتگی کلی منطقه‌ای و برخی ملاحظات سیاسی بازیگران ذینفع، فضای گسترده‌تری برای انتشار و تأثیرگذاری پیدا کرده است.

تروریسم و افراط‌گرایی در عراق هر چند به واسطه عوامل مختلف داخلی و منطقه‌ای تقویت شده، اما اکنون خود به منبع عمده بی‌ثباتی و ناامنی تبدیل شده است. حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خاورمیانه به دلیل عواملی چون نفت و موقعیت ژئوپلیتیک منطقه، همواره از عناصر ساختار امنیتی منطقه‌ای محسوب می‌شده است، اما در سال‌های بعد از یازده سپتامبر، مداخلات فرامنطقه‌ای افزایش قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد. آمریکا بعد از یازده سپتامبر، رویکرد امنیت هژمونیک در خاورمیانه را مطرح کرد و بر این اساس با افزایش حضور نظامی خود به براندازی رژیم‌های طالبان و صدام در افغانستان و عراق مبادرت ورزید. در این راستا واشنگتن سعی دارد تا با جدا کردن صف متحدین و دولت‌های مخالف، تحت فشار قرار دادن دولت‌های غیرهمسو و کسب حداکثر همکاری از کشورهای متحد، امنیت هژمونیک را به عنوان ساختار امنیتی اصلی در منطقه در اولویت قرار دهد. بهانه مبارزه با تروریسم نیز از ابتدا به عنوان یکی از اهداف اصلی آمریکا در گسترش حضور خود در منطقه و تقویت الگوی امنیت هژمونیک دنبال شده است. حضور گسترده‌تر آمریکا در منطقه و اشغال افغانستان و عراق، همراه با عکس‌العمل‌های منطقه‌ای، زمینه را برای گسترش افراط‌گرایی و تروریسم مهیا ساخت و وجود بافت موزاییکی قومی و مذهبی در غرب آسیا در کنار اقدامات

و استراتژی معطوف به مبارزه با تروریسم در چارچوب امنیت هژمونیک امریکا، در عمل به گسترش تروریسم منجر شده است.

تأثیر دیگر ناشی از حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در محیط پیرامونی ایران، تأثیرگذاری بر نظم طبیعی و همکاری‌های قابل توافق میان کشورهای منطقه است. از آنجا که در رویکرد امنیت هژمونیک، منافع و اهداف قدرت فرامنطقه‌ای هژمون در اولویت قرار دارد و همچنین دولت‌ها به دوست و دشمن تقسیم می‌شوند، همکاری و مشارکت دولت‌های منطقه‌ای بر مبنای منافع طبیعی و بلندمدت خود در جهت ایجاد ساختار امنیتی پایدار و مبتنی بر همکاری با دشواری‌های جدی مواجه می‌شود. در این راستا، برخی تهدیدات و چالش‌های امنیتی مشترک که در بلندمدت برای بخش عمده‌ای از کشورهای منطقه مشکل‌آفرین خواهد بود، مورد غفلت و بی‌توجهی قرار خواهد گرفت. در این میان به دلایل ذکر شده، مسئله قاچاق نیز که بدنه اقتصادی کشور را هدف قرار می‌دهد نیز هر روز در حال گسترش است و مراکز اقتصادی جامعه ایران را نیز با چالش روبرو کرده است و موضوع قاچاق در حوزه خلیج فارس و در شکل‌های گوناگون بروز و ظهور یافته که یکی از موارد آن قاچاق سوخت است که سالانه سرمایه هنگفتی را از کشور خارج می‌کند. قدرت‌یابی روز افزون داعش با حمایت کشورهای همسایه، بخصوص ترکیه و رفتارهای دوگانه آمریکا با داعش، باعث شده است که جمهوری اسلامی ایران برای تأمین امنیت این منطقه اقدامات ویژه‌ای را انجام دهد. در این میان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نقش ویژه‌ای را ایفا می‌کند و هر روز با گسترش هر چه بیشتر تروریسم، بر اهمیت نقش امنیتی این سازمان انقلابی افزوده می‌شود.

منابع

- الهامی، خلیل، ۱۳۸۸، مجموعه مقالات اقتصاد پنهان، معاونت پژوهش، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز.
- ابویی، مهدی، ۱۳۷۸، مجموعه مقالات، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس - اداره کل مبارزه با قاچاق کالا و ناجا.
- امینیان، بهادر، ۱۳۷۱، مفهوم امنیت ملی و تحولات آن، مجله سیاست دفاعی، شماره ۱، ص ۵.
- بنایی، رضا، ۱۳۸۱، آشنایی با مقررات گمرکی و ترخیص کالا، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ویرایش ۵.
- پاکزاد، جهان‌شاه، ۱۳۸۸، مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.
- تهامی، سیدمجتبی، ۱۳۸۲، امنیت ملی، دکترینسیاست‌های دفاعی و امنیتی (جلد اول). (تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، معاونت فرهنگی، مدیریت انتشارات
- حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۸۶، تأثیر خودگردانی کردهای شمال عراق بر کشورهای همسایه، تحقیقات جغرافیایی، انتشارات دانشگاه اصفهان، شماره ۸۳
- شجعی گیسور، مجید، ۱۳۸۶، مبارزه با قاچاق کالا، معاونت آموزش ناجا.
- شکبیانی، علیرضا - احمدی، علی محمد، ۱۳۷۸، مجموعه مقالات، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس - اداره کل مبارزه با قاچاق کالا و ناجا.
- سازمان مدیریت و برنامه ریزی (۱۳۷۸)، اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران.
- سیف‌اله مراد، ۱۳۷۸، قاچاق کالا در ایران، مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها.
- عندلیب، علیرضا، ۱۳۸۰، نظریه‌ی پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دوره‌ی عالی جنگ، تهران.

۵۹۴ فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیایا (پرنامه ریزی منطقه ای)، سال یازدهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۹

قلی زاده، سیدابراهیم، ۱۳۸۳، نقش بازارچه های مرزی در ایجاد امنیت مرزهای مشترک سیاسی کشور (مطالعه موردی: بازارچه های مرزی منطقه ی خراسان)، جغرافیای نظامی و امنیتی، سال دوم، شماره ۱.

کشاورز، نصرت اله، ۱۳۸۶، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال سوم، انتشارات معاونت اجتماعی ناجا.

کاظمی، علی اصغر، ۱۳۷۴، روابط بین الملل در تئوری و عمل، تهران، قومس.

کلاه مال همدانی، احمد، ۱۳۸۸، مجموعه مقالات اقتصاد پنهان، معاونت پژوهش، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز.

گمرک جمهوری اسلامی ایران، بررسی ابعاد قاچاق کالا و ارائه راهکارها با تاکید بر نقش گمرک، قاچاق کالا و آثار اقتصادی و فرهنگی آن، گزارش شماره ۵۸.

گمرک جمهوری اسلامی ایران، بررسی ابعاد قاچاق کالا و ارائه راهکارها با تاکید بر نقش گمرک.

میسراک، پ، ۱۳۸۷، امنیت ملی در جهان سوم "نیاز به چارچوبی جدید"، مجله سیاست خارجی، سال دوم، شماره ۳، تیر- شهریور.

مظلوم خراسانی، محمد؛ اسمعیلی، عطا، ۱۳۸۹، بررسی میزان حس امنیت اجتماعی زنان شهر مشهد در سال ۸۵-۸۶ و عوامل موثر بر آن، علوم اجتماعی.

مومنی، اسکندر، جعفری، ذوالفقاری، تشکری، ۱۳۸۹، راهبرهای ارتقاء امنیت عمومی، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.

موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، قاچاق، از سری بررسی های امنیتی کشور، ۱۳۸۱.

نمک شناس، رضا، ۱۳۸۳، بررسی قاچاق کالا و سوخت در سیستان و بلوچستان، وزارت امور اقتصاد و دارایی، طرح تحقیقاتی.

وطن پور، علی رضا، ۱۳۸۸، قاچاق کالا و امنیت ملی، نشر کار آگاه، دفتر تحقیقات پلیس آگاهی، ناجا.

یوسفی نژاد، علی، ۱۳۸۸، مجموعه مقالات اقتصاد پنهان، معاونت پژوهش، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز

ارمغان، سیمین (۱۳۹۰)، «جایگاه بازارچه های مرزی در آمایش سرزمین و کاهش قاچاق استان کردستان»، فصلنامه دانش انتظامی کردستان، شماره ۸، دوره دوم زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۷-۳۲.

پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۷۲)، «تمرکزگرایی و عدم تمرکزگرایی و اثرات آن»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۹.

پیرز، جان. ای و ریچاردی، رابینسون (۱۳۸۳)، مدیریت راهبردی (برنامه ریزی، اجرا و کنترل)، سمت، تهران، صص ۱۵۵.

دواس، دی. ای (۱۳۸۲)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه - هوشنگ ناییبی، تهران: نی.

رحمانی، بیژن، شمس، مجید و ساناز حاتمی فر (۱۳۸۹)، «امکان - سنجی توسعه پایدار گردشگری در شهر ملایر با استفاده از مدل SWOT».

فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال اول، شماره سه، اصفهان، صص ۱۷.

رستم گورانی، ابراهیم، بیرانوندزاده، مریم، علی زاده، سیددانا، حشمتی جدید، مهدی (۱۳۹۲)، «بررسی جایگاه مناطق آزاد تجاری جزیره

قسم در توسعه پایدار و امنیت اجتماعی»، دو فصلنامه آمایش سرزمین، سال پنجم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲ صص ۲۷-۴۹.

رکن الدین افتخاری، عبدالرضا، پاپلی یزدی، محمدحسین، عبدی، عرفان (۱۳۸۷)، «ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه های مرزی در

بازتاب های توسعه مناطق مرزی؛ مطالعه موردی: بازارچه مرزی شیخ صالح شهرستان ثلاث باباجانی، استان کرمانشاه»، فصلنامه

ژئوپلیتیک، تابستان ۱۳۸۷، سال ۴، شماره ۲، صص ۸۲-۱۰۹.

رومینا، ابراهیم (۱۳۹۳)، «تبیین نظری قاچاق کالای ورودی و مدیریت آن در کشورها»، فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک، شماره ۳۳، بهار

۱۳۹۳، صص ۸۳-۱۰۵.

زراء نژاد، منصور، ابراهیمی، صالح (۱۳۹۱)، «قاچاق کالا در ایران و رابطه آن با اقتصاد رسمی آزمون علیت گرنجر (۱۳۸۶-۱۳۵۳)»، دو

فصلنامه بررسی های حقوقی (مجله تخصصی حقوق اقتصادی)، سال دوم، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ صص ۱۳.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۲)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز (۱۳۹۲)، گزارش مدیریتی بررسی توسعه نیافتگی مرز نشینان و تأثیر آن بر قاچاق کالا، مرکز پژوهش،

آمار و اطلاعات ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز.

سیف، امراله (۱۳۸۷)، قاچاق کالا در ایران، انتشارات دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

- طاوسی، تقی، اسکندری‌ثانی، محمد و محمود حسین‌زاده‌کرمانی (۱۳۹۱)، «قابلیت‌ها و تنگناهای توسعه محور شرق در شرایط امروز ایران و منطقه»، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری، دوره ۳، شماره ۱۲، صص ۷۹-۱۰۰.
- عرب مازار یزدی، علی (۱۳۸۴)، اقتصاد سیاه در ایران، تهران: مؤسسه توسعه و دانش.
- عیسی‌آبادی، ابوالفضل، شاه قلعه، صفی اله (۱۳۹۲)، «ژئوپلیتیک ایران و تأثیر آن بر قاچاق کالا»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۰۹، تابستان ۱۳۹۲ صص ۴۹-۶۸.
- فصیحی (۱۳۹۱)، «پیامدهای امنیتی قاچاق کالا در مناطق مرزی»، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- کریمی‌پور، ی‌الله، محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۳)، «سد نفوذ قاچاق کالا: از واقعیت تا رؤیا (پژوهش میدانی در محدود استان هرمزگان)»، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۳، صص ۲۴۱-۲۱۱.
- کنین، عبدالحسین (۱۳۸۷)، جغرافیای طبیعی و انسانی بوشهر، تهران: طلوع دانش.
- کلانتری خلیل‌آباد، حسین، ابوبکری، طاهر، قادری، رضا، پورعلی، محمدعلی، سعیدی، انور (۱۳۹۱)، «ارزیابی میزان تحقق‌پذیری شاخص‌های توسعه پایدار شهری در مناطق مرزی (نمونه موردی: شهر پیرانشهر)»، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۰، صص ۲۲۱-۲۰۷.
- کهنه پوشی، سیدهادی، جلالیان، حمید (۱۳۹۱)، «تأثیر قاچاق کالا بر اقتصاد روستاهای مرزی: مورد: بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان»، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۳۲، پاییز ۱۳۹۲، صص ۶۱-۷۴.
- گلکار، مهدی (۱۳۸۴)، «مناسب‌سازی تکنیک تحلیلی SWOT»، نشریه معماری و شهرسازی، سال پانزدهم، شماره ۴۱، تهران، صص ۴۸.
- گمرک جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱)، دفتر فناوری اطلاعات و ارتباطات گمرک ایران.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- مرکز تکنولوژی اطلاعات سانان (۱۳۸۴)، آشنایی با توانمندی‌های تولیدی و صادراتی استان کردستان، کردستان: سازمان بازرگانی استان کردستان.
- مهران‌نژاد، احمد، جوادی‌پور، رضا (۱۳۸۸)، «راهبردهای توسعه خدمات شهرداری‌های الکترونیک بر اساس تجزیه‌وتحلیل SWOT: مطالعه موردی شهرداری الکترونیک منطقه ۱۳ تهران»، دومین کنفرانس بین‌المللی شهرداری الکترونیکی، تهران، صص ۵۹.
- نماینان، پیمان (۱۳۹۰)، «قاچاق کالا و اثرات آن در امنیت اجتماعی: ارزیابی سیاست‌های پیشگیرانه»، فصلنامه دانش انتظامی کردستان، شماره ۸، دوره دوم، زمستان ۱۳۹۰، صص ۶۱-۸۲.
- وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۵)، راهنمای تهیه طرح ساماندهی توسعه اقتصادی، اجتماعی فضاها روستایی، دفتر برنامه‌ریزی توسعه روستایی.
- ویسی‌هادی (۱۳۹۲)، «توسعه نامتوازن ناحیه‌ای و چالش‌های امنیتی بلوچستان ایران با تأکید بر پدافند غیرعامل به عنوان کلید حل مسئله»، ششمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران پدافند غیرعامل، مشهد، انجمن ژئوپلیتیک ایران، دانشگاه فردوسی مشهد.
- هریسون، جفری و کارون، جان (۱۳۸۲)، مدیریت استراتژیک، ترجمه بهروز قاسمی، انتشارات هیأت، تهران
- K.A.S. Murshid and Tout Sokphally (2005). The Cross Border Economy of Cambodia: An Exploratory Study. Working Paper No. 25. Download WP25 (pdf 499KB in English)
- Kajanus, M. (2000). A model for creating innovative strategies for an enterprise and its application to a rural enterprise. Management Decision, 38 (10).
- Krogman. P. , hson, G: (1993). mexico-u.s. free trade and the location of producton, in: the mexico-us free trade, peterm. Garber (ed.)
- Lee bouapao, leeber: phonesaly souksavath phetsamone sone, souphith Darachanthara, Vanthana, Norintha, ..(2004) lao PDR cross BORDER ECONOMY, case study in Dansavanh, Savannakhet, and Houaysai / Tonpheung, Bokeo, lao PDR " National Economic. Research Institute

۵۹۶ فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، سال یازدهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۹

- Nibouhr, Annekatvin; silviastiller ..(2002) Integration Effects in Border Regions – A Survey of Economic Theory and Empirical Studies, Hamburgisches Welt-Wirtschafts-Archiv (HWWA), Hamburg Institute of International Economics Öffentlichkeitsarbeit
- Wheelen, T. L., & Hunger, J. D. (1995). Strategic management and business policy (5th Ed.). Reading, MA: Addison-Wesley.
- watson,scott,societalsecurity; Applying the concept on the process of Kurdish identity, 2005.
- waver,ole, Burry Buzan, Morten Kelstrup, pierre Lamaitre, Identity migration and new security agenda in Europe, London: Continuum International Publishers, 1993.

